

#با مردم از قبح تاریخ

مجموعه منبرهای مکتوب با موضوع

نقش مردم در دوران غیبت و در دوران ظهور،

و نقش مردم در انقلاب اسلامی به عنوان

مهم‌ترین نمونه تاریخی مقدمه‌سازی برای ظهور



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



#با مردم از قلم تاریخ

مجموعه منبرهای مکتوب با موضوع

نقش مردم در دوران غیبت و در دوران ظهور،

و نقش مردم در انقلاب اسلامی به عنوان

مهم‌ترین نمونه تاریخی مقدمه‌سازی برای ظهور



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کاری از معاونت فرهنگ، آموزش و پژوهش

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج

نویسنده: رضای رحمتی

نیمه شعبان ۱۴۰۴

فهرست

- ۴..... «از فجر تا فجر؛ با مردم»
- ۶..... چه ربطی بین دهه فجر و فجر وجود دارد؟
- ۶..... آیا مهم تر از دعا برای فجر وجود دارد؟
- ۷..... اولین اقدام عملی برای فجر، به چالش کشیدن جبهه ظلم و ظالمین
- ۷..... اقدام عملی دیگر برای فجر، نمایش قدرت دین در مدیریت جامعه
- ۸..... عدالت مهم ترین شعار دولت مهدوی
- ۹..... منجی جهان را چگونه نجات می دهد؟
- ۹..... ۱. آیا بالشکر آسمانی؟
- ۱۱..... ۲. آیا با سبزه و سبزه نفر از مدیران سیاسی قوی؟
- ۱۱..... ۳. آیا با رهبری قوی اما به تنهایی؟
- ۱۳..... تحول در شیوه حکمرانی عاملی مهم تر از این سه عامل برای حل مشکلات
- ۱۳..... واگذاری کارها به مردم، شیوه حکمرانی منجی
- ۱۵..... قوی کردن مردم، نقش دولت در حکومت منجی
- ۱۵..... چگونه رفع موانع تولید و پشتیبانی از آن موجب قوی شدن مردم می شود؟
- ۱۷..... واگذاری کارها به مردم، سلب مسئولیت از دولت نیست؟
- ۱۸..... گام دوم نقشه راه ما به سوی ظهور
- ۱۹..... شباهت های انقلاب حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و انقلاب سید روح الله عَلَيْهِ السَّلَام
- ۱۹..... ۱. ظلم فرعون ها
- ۲۰..... ما در چه وضعیتی بودیم؟
- ۲۱..... ۲. رهبری شجاع
- ۲۴..... تفاوت قوم بنی اسرائیل و امت سید روح الله عَلَيْهِ السَّلَام، راز موفقیت، رمز ظهور
- ۲۵..... تفاوت اساسی در قیام و قعود مردم است
- ۲۷..... بحران جنگ، با قدرت مردم حل شد
- ۲۸..... دو کار بزرگ امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَام
- ۲۸..... مدل مدیریتی امام عَلَيْهِ السَّلَام چگونه بود؟
- ۲۹..... مدل مدیریتی امام عَلَيْهِ السَّلَام، همان مدل مدیریتی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

- پیغمبر مردم مدینه را به گروه‌های ده نفر سامان دادند ۲۹
- امیرالمؤمنین تشکیلات مردمی داشت ۳۰
- در مدل حکمرانی اسلامی، مردم بیشتر از نخبگان نقش آفرین هستند ۳۱
- هدف امام از تشکیل حکومت این بود که مردم همه کاره باشند ۳۱
- مدل مدیریتی امام، مردم محور است ۳۲
- چرا امام بسیج را طراحی کرد؟ ۳۲
- عنصر اصلی بسیج، مردمی بودن آن است. ۳۲
- بسیج تحقق مردم‌سالاری دینی است ۳۳
- اگر مردم ما از کلمه بسیج یاد تشکیلات مردمی نیفتند، یعنی ما بسیج را خوب توضیح نداده ایم ۳۴
- ما مشکلات منطقه را به مدل بسیج حل کردیم ۳۵
- ریشه قرآنی بسیج ۳۵
- مردم، رکن اول حل مشکلات ۳۶
- چگونه مردم می‌توانند مشکلات خودشان را خودشان حل کنند؟ ۳۷
- رابطه با ولایت مدارن رکن دوم ولایت مداری ۳۸
- گلایه امام باقر (علیه السلام) : شما در راه ولایت ما برادری نکردید؛ معنای عمیق برادر بسیجی ۳۹
- برای حاج همت سپر انسانی ایجاد کردند ۴۰
- نگاهی متفاوت به انقلاب اسلامی ۴۲
- اگر ما آثار جهانی نداریم، چرا آمریکا ما را تهدید می‌کند؟ ۴۳
- تحلیل پایگاه خبری اروپایی از قدرت های تهدید کننده قدرت امریکا ۴۳
- قدرت انقلاب اسلامی در برهم زدن معادلات قدرت در جهان ۴۴
- جهان حیاط خلوت ماست ۴۵
- میزان فقر در اروپا را بررسی کنیم ۴۵
- کتابی خواندنی از بازتاب های جهانی انقلاب اسلامی ۴۷
- جهاد تبیین یعنی تبیین آثار جهانی انقلاب اسلامی ۴۷
- ظرفیت های جهانی دین ما ۴۸

- در مدارس ما، جهانی شدن آموزش داده می شود؟ ۴۸
- توبیخ امام صادق علیه السلام، صحابی را که به فکر جهانی شدن نیست ۴۹
- چرا در قرآن داستان تمام اقوام مطرح جهان آمده است؟ ۵۲
- اعتراف هنری کسینجر، به قدرت انقلاب اسلامی ۵۳
- حل تعارض آثار جهانی انقلاب اسلامی با عدم توان حل مشکلات اقتصادی داخلی ۵۴
- اقتصاد، معادله چند مجهوله ۵۴
- نقش مردم در اقتصاد ۵۵
- تجربه موفقیت در جنگ جهانی ۸ ساله با نقش آفرینی مردم ۵۵
- امام رحمه الله: حضور مردم، یک معجزه است! ۵۶
- تغییر مدل معیشتی مردم از بانک محوری به تعاونی محوری ۵۶
- تعاونی فامیلی یا مسجدی یا هیئتی راه بینداز! ۵۸
- قدرت اسلام در غبار زمان ۵۹
- چه نگاهی چنین قدرتی برای انقلاب اسلام کشف کرد؟ ۶۱
- عابد جهنمی ۶۳
- آموزش دین سیاسی در مدارس ۶۵
- قدرت اسلام در دوران ظهور ۶۷
- وارثین قدرت و ثروت در دوران ظهور چه کسانی هستند؟ ۶۸
- در آخرالزمان، تکلیف قدرت در جهان مشخص می شود ۷۰

«از فجر تا فرج؛ با مردم»

مقدمه:

نقش مردم در ساخت حکومت مهدوی و انقلاب اسلامی ایران

اندیشه انتظار، در نگاه رهبر انقلاب، یک منظومه منسجم، فعال و فرهنگ ساز است؛ نه مجموعه‌ای از آرزوهای منفعلانه. ایشان در تبیین ماهیت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر یک اصل بنیادین تأکید می‌کنند: «امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آن‌هاست که بنای عدل الهی را در سراسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صد درصد مردمی تشکیل می‌دهد.»^۱ به تعبیر دیگر، «حکومت آینده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک حکومت مردمی به تمام معناست؛ متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم.»^۲ رهبر انقلاب، این مردم‌محوری را در نسبت با شرایط ظهور نیز تبیین می‌کنند: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در یک زمینه‌ی مساعد و مناسب ظهور خواهد کرد، نه در یک زمینه‌ی نامساعد. حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک حکومت صد در صد است؛ قبل از این صد در صد، ده درصد و بیست درصد و سی درصد و پنجاه درصد و نود درصد بایستی به وجود بیاید تا برسد به آن صد درصد.»^۳ از همین روست که می‌فرمایند: «ببینید الان حکومت ما چند درصد حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ هرچه که هست به همین ترتیب

۱. دسترسی در: ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

<https://khl.ink/f/۳۱۴۹>

۲. همان.

۳. مصاحبه‌ها، ص ۲۲۳، ۱۳۶۰ ش.

پیش خواهد رفت تا به حکومت مهدی علیه السلام که آن حکومت صد در صد اسلامی است.»^۱

در تحلیل ایشان، مردم سالاری دینی، نقطه مقابل مدل های متعارف دموکراسی غربی است:

«آنچه امروز به عنوان دموکراسی معرفی می شود، همان دیکتاتوری های قدیمی است که لباس جدید بر تن کرده است... دموکراسی های امروز دنیا بر پایه تبلیغات دروغ و فریبده و اسیر پنجه اقتدار پول اند.» اما «مردم سالاری امام زمان، یعنی مردم سالاری دینی، با این روش از زمین تا آسمان تفاوت دارد.»^۲

بر اساس این مبانی روشن، انتظار صحیح به معنای ساختن زمینه است؛ نه انتظار منفعلانه. فرج، یک حادثه دفعی در نتایج است، اما فرایندی تدریجی در مقدمات دارد. در منظومه رهبری، مقدمه ظهور چیزی جز قوی شدن مردم، مردمی شدن ساختارها، و فعال شدن نقش جامعه در تولید قدرت، عدالت و حکمرانی نیست.

بر این اساس، این مجموعه منبرهای مکتوب در ۵ مبحث به **نقش مردم در دوران غیبت، نقش مردم در دوران ظهور، و نقش مردم در انقلاب اسلامی** به عنوان مهم ترین نمونه تاریخی مقدمه سازی برای ظهور می پردازد. در هر مبحث، روشن خواهد شد که چرا مردم رکن اول حل مشکلات اند، چرا حکمرانی مهدوی یک حکمرانی مردمی است، و چگونه انقلاب اسلامی، با تکیه بر همین منطق، دهه به دهه به تحقق درصدهای بالاتر از مردم سالاری دینی نزدیک می شود.

^۱. همان.

^۲. ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، دسترسی در:

سخن اول: دهه فجر، آغاز فرج

چه ربطی بین دهه فجر و فرج وجود دارد؟

اگر امام رحمته الله علیه فرمودند:

«انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به

پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است»^۱

منطق این کلام چیست؟ چه ربطی بین دهه فجر و فرج وجود دارد؟ برای

پاسخ به این پرسش باید ابتدا پرسش دیگری را پاسخ دهیم و آن این است

که اگر انتظار برای فرج، به معنای آمادگی و مقدمه سازی برای ظهور است،

نه به معنای اینکه دست رو دست بگذارید، در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی،

کدام اقدام، برای تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی، موثرتر است؟

آیا مهم تر از دعا برای فرج وجود دارد؟

دعا برای فرج، خیلی خوب هست، اما آیا مهم تر از دعا برای فرج وجود

دارد؟ بله اقدام برای فرج؛ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«الدَّاعِيَ بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَتَرٍ» ؛ دعا کننده بدون عمل، همانند

کسی است که با کمان بی زه، تیراندازی می کند.»^۲

۱. ۲۰ فروردین، ۱۳۶۸

۲. الامامه و التبصره، ص ۳۷

اولین اقدام عملی برای فَرَج، به چالش کشیدن جبهه ظلم و ظالمین

چه اقدامات عملی موجب تعجیل در فَرَج حضرت حجت می شود؟ یکی از اقدامات قطعاً، به چالش کشیدن جبهه ظلم و ظالمین هست. چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار هست پرچم عدالت را برپا کند، شما هرچقدر که پرچم ظلم را به پایین بکشید، این زمینه سازی برای اهتزاز پرچم عدل مهدوی است.

انقلاب اسلامی ایران حقیقتاً جبهه ظلم و ظالمین را به چالش کشید و تمام معادلات مستکبرین را بهم ریخت، موی دماغ مستکبرین شد. ریشه این همه دشمنی نظام استکباری به سردمداری آمریکا با انقلاب اسلامی چیست؟ آیا جز این است که انقلاب اسلامی، توانست جبهه ظلم و ظالمین را به چالش بکشد.

اقدام عملی دیگر برای فَرَج، نمایش قدرت دین در مدیریت جامعه

اقدام دیگری که موجب تعجیل در فَرَج حضرت می شود، این است که علاوه بر اینکه ضعف جبهه باطل را نشان بدهی و آنها را به چالش بکشید، قدرت اسلام را هم به جهان به نمایش بگذارید. چون قرار هست این قدرت، آینده جهان را مدیریت کند. قدرت اسلام، یعنی توانمندی مدیریت دینی یعنی ولایت در مدیریت جهان و گره گشایی از مشکلات امروز بشریت. ما برای اینکه قدمی برای فرج برداریم، از دهه فجر شروع کردیم.^۲ اقدام اساسی برای فرج با آغاز انقلاب اسلامی و طلوع فجر انقلاب کلید خورد. اما قدم دیگری هم وجود دارد، تا ما یک گام اساسی برای رسیدن به دولت مهدوی برداریم؛ برای یافتن آن گام اساسی باید ببینیم در دولت مهدوی چه اتفاقی می افتد، قبل از ظهور، آن اتفاق را در انقلاب اسلامی رقم بزنیم. مقدمه سازی برای ظهور، چیزی از جنس ظهور است. اگر در ظهور مشکلات

حل می شود، چگونه مشکلات حل می شود؟ آیا ما می توانیم از آن مدل برای حل مشکلات امروز خودمان الگو بگیریم؟ باید اول بدانیم منجی چگونه جهان را نجات می دهد.

عدالت مهم ترین شعار دولت مهدوی

اگرچه عدالت، مهم ترین شعار دولت مهدوی است. آنچنان که پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يَقْبَلُ كَالشَّهَابِ النَّاقِبِ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، از فرزندان من است و هم نام و نشان من است، شبیه ترین افراد از لحاظ ظاهری و اخلاقی به من هست، برای او غیبتی است و حیرتی که در این دوران غیبت و حیرت بسیاری از امت ها گمراه می شوند و راه را گم می کنند، سپس او می آید مثل شهاب درخشان می آید. زمین را پر از عدل و قسط می کند همان طور که زمین پر از ظلم و جور شده است.»^۱

مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَامُ، چند سال پیش بعد از تشریح بی عدالتی های که الان در جهان هست و مردم رنج می برند فرمودند:

«مأموریت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است.»^۲

سپس فرمودند:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. ۱۳۹۹/۰۱/۲۱، دسترسی در:

«این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست، عدل در همه‌ی شئون زندگی است؛ عدالت در قدرت، عدالت در ثروت، عدالت در سلامت، عدالت در کرامت انسانی و در منزلت اجتماعی، عدالت در معنویت و امکان رشد، [عدالت] در همه‌ی ابعاد زندگی»^۱

در سخنی دیگری رهبر انقلاب می‌فرماید:

«برجسته‌ترین شعار مهدویت عبارت است از عدالت ... انتظار منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است.»^۲

منجی جهان را چگونه نجات می‌دهد؟

بنابراین مهم‌ترین شعار دولت مهدوی برپایی عدالت و قسط است، اما مهم‌تر از اینکه شعار دولت مهدوی عدالت و قسط هست این است که چگونه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را پر از عدل و قسط می‌کند؟

۱. آیا با لشکر آسمانی؟

اگر ماموریت بزرگ منجی عالم بشریت، نجات بشر هست. اصلاً به بخاطر همین ماموریت بزرگ به او منجی گفته می‌شود، حالا منجی چگونه جهان را نجات می‌دهد؟ آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با لشکری از آسمان، همه مشکلات را حل می‌کند؟ یعنی وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف آورند با خودشان لشکری از آسمان می‌آورند که آن لشکر آسمانی تمام مشکلات جهان بشریت را حل

۱. همان.

۲. ۱۳۸۱/۰۷/۳۰، دسترسی در:

می‌کند و آنها هستند که عدالت و قسط را در زمین برپا می‌کنند، آیا این طور عدالت و قسط در جهان برقرار می‌شود؟

اگر قرار بر این بود که مشکلات با لشکری از آسمان حل شود، زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، در دوران حاکمیت ایشان آن لشکر آسمانی می‌آمد و مشکلات را حل می‌کرد. و این همه امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم رونمی‌زد، مردم هم راحت می‌نشستند در منزل خودشان، مشکلات با آن لشکر آسمانی حل می‌شد.

البته منجی ما، از لشکر آسمانی هم برای حل مشکلات استفاده می‌کند همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از لشکر آسمانی استفاده می‌کردند؛ نخستین آن در روز بدر بود که خداوند می‌فرماید:

«إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ»^۱

این آیه، صحنه‌ای است از تأیید غیبی؛ فرشتگانی که به دنبال هم فرود می‌آیند، بی‌آن‌که چشم‌ها حضورشان را ببینند، ولی اثرشان در میدان آشکار می‌شود. در آیه‌ای دیگر، میدان بدر را چنین شرح می‌دهد:

«وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ»^۲

گویی آرامش الهی بر دل‌ها فرود می‌آید و انسان درمی‌یابد که پیروزی تنها محصول تدبیر او نیست.

همین قاعده در احد تکرار می‌شود:

«إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزِلِينَ»^۳

۱. انفال، ۹.

۲. آل عمران، ۱۲۶.

۳. همان، ۱۲۴.

آیه، صحنه‌ای از اطمینان می‌سازد؛ وعده‌ای که نشان می‌دهد آسمان در لحظه‌های سرنوشت‌ساز کنار جبهه حق می‌ایستد. اما این لشکر آسمانی بدون نقش آفرینی مردم به چه کار می‌آید؟ از سوی دیگر هیچ گاه لشکر آسمانی جای لشکر زمینی نقش آفرینی نمی‌کند.

۲. آیا با سیصد و سیزده نفر از مدیران سیاسی قوی؟

آیا منجی با سیصد و سیزده نفر از مدیران سیاسی قوی جهان بشریت را از مشکلات نجات می‌دهد؟ درست هست که سیصد و سیزده نفر از مدیران سیاسی قدرتمند، لازمه تشکیل دولت امام منجی هست. همان‌طور که حضرت در ذیل این آیه شریفه که می‌فرماید زمین بعد از مرگش زنده می‌کند فرمودند: «زمین به وسیله باران زنده نمی‌شود بلکه خدا مردانی را می‌فرستد که عدالت را برپا می‌کنند و زمین به وسیله عدالت زنده می‌شود؛ یحیی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَالَ لَيْسَ يَحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُخَيِّوْنَ الْعَدْلَ فَتُخْيَا الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ»^۱

ولی این مدیران سیاسی به تنهایی کافی نیستند تا اینکه عدالت برقرار شود و فقط با یک دولت قوی مشکلات بشریت حل نمی‌شود.

۳. آیا با رهبری قوی اما به تنهایی؟

آیا منجی خودش به تنهایی مشکلات بشریت را حل می‌کند؟ این مدلی هم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشکلات را حل نمی‌کند. نه با آن لشکر آسمانی، نه با آن سیصد و سیزده نفر از مدیران سیاسی قوی و نه به تنهایی حضرت نمی‌تواند بشریت را نجات دهد. فرمود:

«لَيْسَ امْرُؤٌ - وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنْزِلَتُهُ، وَ جَسَمَتْ فِي الْحَقِّ فَضِيلَتُهُ بِمُسْتَعْنٍ عَنْ أَنْ يَعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - مِنْ حَقِّهِ؛

۱. کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

هیچ کسی بی نیاز نیست از اینکه یاری شود در انجام آنچه خدا از حق خودش بر گردن او انداخته است، اگر چه از نظر حق و حقیقت جایگاهش عظیم و فضیلتش در حق بزرگ باشد»^۱

مدیر سیاسی جامعه هم امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد، مشکلات آن جامعه سر جایش خواهد بود و به تنهایی کاری از پیش نخواهد برد.
امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کوفیان فرمود:

«بعد از خدا، چشم امیدم به شما هست؛ إِنَّمَا جِئْتُكُمْ ثَقَّةً بَعْدَ اللَّهِ بِكُمْ»^۲

اگر ما بودیم شاید به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می گفتیم: «یا امیرالمؤمنین شما که امام الموحدین هستید، چرا بغیر خدا تکیه می کنید؟» اما وقتی شما به قرآن هم مراجعه می کنید می بینید خدا کنار نصرت خودش، روی نصرت مردم هم حساب باز کرده است. به پیغمبرش فرموده است:

«هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۳

بعضی ها اخلاق بنی اسرائیلی دارند، می گویند: تمام مشکلات را باید خدا و پیغمبرش حل کند به ما چه ربطی دارد. بنی اسرائیل اینطوری می گفتند خدا چهل سال بیچاره شان کرد. وقتی یک جایی باید احساس مسئولیت می کردند و برای دفاع از خودشان و آبادانی و آزادی خودشان اقدامی می کردند گفتند:

«ما نشستیم تو و خدایت برو و بجنگ؛ فَأَذْهَبَ أَنتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۴

۱. همان، ج ۸، ص ۳۵۴.

۲. الارشاد، ج ۱، ص ۲۵۰.

۳. انفال، ۶۲.

۴. مائده، ۲۴.

برخی می گویند چرا رهبری همه مشکلات را حل نمی کند؟ چون قرار نیست رهبری همه مشکلات را حل کند اگر هم بتواند، درست نیست بدون احترام به شعور مردم و آزادی مردم و توان مردم همه مشکلات را حل کند. اینکار را نه رسول الله ﷺ انجام دادند نه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

تحول در شیوه حکمرانی عاملی مهم تر از این سه عامل برای حل مشکلات
عامل چهارم و مهم تری جدای از آن لشکر آسمانی و مدیران سیاسی قوی و حضور حضرت وجود دارد برای نجات بشریت و آن شیوه حکمرانی حضرت هست. حضرت چگونه جهان را نجات می دهد و عدالت را برپا می کند؟ با تغییر در شیوه حکمرانی.

واگذاری کارها به مردم، شیوه حکمرانی منجی

کدام شیوه حکمرانی، همان شیوه حکمرانی که خداوند متعال برای ما ترسیم می کنند در مأموریت انبیاء که اساساً مأموریت انبیاء نجات بشر است. فرمود:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱

پیامبران می آیند تا مردم خودشان به قسط قیام کنند، نه اینکه خودِ پیامبران، قسط را برای مردم اجرا کنند یا اینکه پیامبران، مردم را به قسط، وادار کنند، بلکه پیامبران محیطی ایجاد می کنند که خودِ مردم به قسط، قیام کنند؛ این یعنی مردم قدرتمند بشوند و کنترل اوضاع را در دست بگیرند. این یک شیوه‌ای از حاکمیت است که در غرب هم نیست.

اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، امام برپاکننده عدالت است، عدالت را چگونه برپا می کند؟ با مردم، به کمک مردم، با نقش آفرینی مردم. مردم را در دولت

۱. حدید، ۲۵.

عدالت مهدوی کنار بگذاری، نه رهبری قوی، نه مدیران سیاسی قوی، نه سپاه آسمانی هیچ کدام به تنهایی به کار نمی آیند، این عامل، مهم ترین عاملی است که موجب تکمیل پازل برپایی عدالت می شود. تا شما این قطعه را نسازی و در کنار بقیه قطعات نگذاری پازل عدالت مهدوی شکل نمی گیرد.

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه فرمودند:

«حکومت آینده ی حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه، يك حکومت مردمی به تمام معناست. مردمی یعنی چه؟ یعنی مٹکی به ایمان ها و اراده ها و بازوان مردم است. امام زمان علیه السلام، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آنهاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می بخشد و يك حکومت صد درصد مردمی تشکیل می دهد؛ اما این حکومت مردمی با حکومت های مدّعی مردمی بودن و دموکراسی در دنیای امروز از زمین تا آسمان تفاوت دارد.»^۱

منجی چگونه جهان را نجات می دهد و عدالت را برقرار می کند؟ با تغییر در شیوه حکمرانی، تغییر در شیوه حکمرانی یعنی واگذاری کارها به مردم. الان ما دو مدل شیوه حکمرانی داریم یک شیوه دولت بزرگ که مردم کمترین نقش را در پذیرش مسئولیت های اجتماعی دارند و حداقل مشارکت که عبارت است از انتخابات و تکاثر قدرت و ثروت در دولت های بزرگ و شیوه دیگری که در زمان ظهور محقق می شود و البته قبل از آن در انقلاب اسلامی سال هاست که مقام معظم رهبری رحمته الله علیه ریل گذاری کرده اند؛ عبارت است از اینکه مردم بیشترین نقش را در مسئولیت اجتماعی دارند و کارها به دست مردم سپرده شود و دولت ها کمترین نقش را ایفا می کنند.

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه فرمودند:

^۱. نظریه انتظار / ۳۰ / ۰۷ / ۱۳۸۱ / نیمه شعبان / مصلی تهران.

«قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد.»^۱

قوی کردن مردم، نقش دولت در حکومت منجی

اگر این طوری هست پس دولت چه نقشی خواهند داشت؟ دولت، مردم را قوی می‌کند، این مهم‌ترین نقش دولت هست. البته نظارت هم می‌کند، اما با کمترین دخالت مستقیم. دولت تصدی‌گری نمی‌کند صاحب ثروت و قدرت نیست بلکه می‌آید ثروت و قدرت را بین مردم تقسیم می‌کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صورت مفصل زمانی که شیوه حکمرانی را برای مالک اشتر توضیح می‌دهند، نقش دولت را در حمایت از صنایع، حمایت از تجار، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر توضیح می‌دهند.^۲

بنابراین منجی چگونه جهان را نجات می‌دهد و عدالت را برقرار می‌کند؟ با تغییر در شیوه حکمرانی، تغییر در شیوه حکمرانی، یعنی واگذاری کارها به مردم، لازمه واگذاری کارها به مردم قوی کردن مردم است. یک مربی ورزشی هیچ وقت یک وزنه‌سنگین را به دست یک ورزشکار ضعیف و تازه وارد نمی‌دهد. اول او را قوی می‌کند بعد وزنه سنگین به دست او می‌دهد.

چگونه رفع موانع تولید و پشتیبانی از آن موجب قوی شدن مردم می‌شود؟ نقش دولت، قوی کردن مردم است. بعد واگذاری کارها به آنها. چطور مردم قوی می‌شوند؟ اقتصاد عامل قوی شدن یک جامعه است. همان طور که قرآن کریم می‌فرماید مال عامل قوت و قیام یک جامعه است.

^۱. ۱۳۹۹/۰۲/۱۷. دسترسی در:

<https://khl.ink/f/۴۵۵۱۷>

^۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

فرمود:

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»^۱

یعنی اموال خودتان را دست کم عقل‌ها ندهید. کمر یک جامعه را چگونه می‌توان شکست که دیگر روی پای خودش نایستد؟ اقتصاد و مال؛ راه قوی شدن مردم، اقتصاد هست.

حالا کدام اقتصاد، اقتصاد مذاکره‌ای یا اقتصاد مقاومتی؟ جنگ ۱۲ روزه به ما نشان داد دروغ‌بزرگی به نام مذاکره را. می‌گویند مذاکره راه حل مشکلات است، اما واقعیت چیز دیگری را نشان داد. در حالی که ما پشت میز مذاکره با آمریکا نشسته بودیم، همان‌ها با چراغ سبز آمریکا، بی‌خبر و ناگهانی به خاک ما حمله کردند. جنگ دوازده‌روزه، واقعیتی بود که همه دروغ‌بزرگ «اقتصاد مذاکره‌ای» را برملا کرد.

در آن لحظات، دیدیم که تکیه بر وعده‌های دشمن، نه تنها امنیت و اقتصاد را تضمین نکرد، بلکه ضعف و آسیب‌پذیری را به رخ کشید. در مقابل، همان اقتصاد مقاومتی بود که توانست در دل بحران، قدرت و ایستادگی ما را حفظ کند. موشک‌هایی که ساختیم از دل اقتصاد مقاومتی بود. مقاومتی که به مردم اعتماد می‌دهد، نه به دشمن.

در حال حاضر برای همه روشن است: مذاکره‌ای که با وعده‌های توخالی همراه باشد، تنها فریبی است که زمان جنگ و حمله آشکار می‌شود. تجربه جنگ دوازده روزه، درس بزرگی بود برای همه ما؛ درس اینکه اعتماد به دشمن و اقتصاد بر پایه مذاکره، خیال و فریب است، و تنها راه واقعی، مقاومتی است که از درون ریشه می‌گیرد.

^۱. نسا، ۵.

واگذاری کارها به مردم، سلب مسئولیت از دولت نیست؟

شاید برخی بگویند آقا این که می‌گوییم در دولت منجی، مردم نقش آفرین هستند، آیا این سبک کردن کار دولت نیست؟

برای قوی کردن مردم، مسئولین باید صبح و شام تلاش کنند، چند برابر بدونند، این مسئولیت خیلی سنگین‌تر هست از مسئولیت تصدی‌گری. تصدی‌گری راحت‌ترین کار برای دولت هست، اما تصمیم بگیرند مردم را قوی کنند باید چند برابر تلاش کنند.

مفضل می‌گوید:

«من با امام صادق علیه السلام بودم و داشتم در کنار ایشان، طواف می‌کردم. حضرت به من نگاه کرد و فرمود: چرا غمگین هستی؟ گفتم: من نگاه می‌کنم به بنی‌العباس که حاکم هستند و غصه می‌خورم که این امکانات باید دست شما بود! شما باید حاکم باشید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر این جوری بود که حکومت دست من بود، می‌دانی تکلیف تو چه می‌شد؟ شب باید تا صبح می‌نشستی و با هم برنامه‌ریزی می‌کردیم، صبح تا شب هم باید کار می‌کردی و نان خشک (غذای ساده) باید می‌خوردی و لباس خشن باید می‌پوشیدی؛ شبیه امیرالمؤمنین علیه السلام و الا اگر این‌طوری نبودی، جای تو در جهنم بود؛ ... فَقَالَ يَا مُقْضَلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا بِيَّاسَةً اللَّيْلِ وَ سَبَاحَةَ النَّهَارِ وَ أَكَلَ الْجَشِبِ وَ لُبَسَ الْخَشَنِ شَبْهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ إِلَّا فَالْتَارُ^۱

حضرت می‌فرماید:

اگر حکومت دست من بود، تو باید این‌طوری زندگی می‌کردی و الا جای تو در جهنم بود! حالا شما ببینید جای چند نفر از مسئولین ما در

^۱. غیبت نعمانی، ص ۲۸۷.

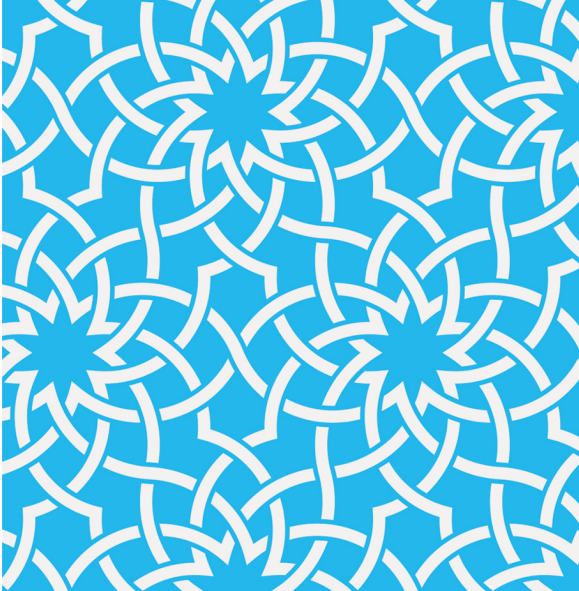
جهنم است؟ بعضی‌ها این مسائل را شوخی می‌گیرند! و بعد فرمود: حالا که حکومت دست ما نیست، داریم غذای مان را می‌خوریم و...^۱ ما نه تنها مسئولیت را از دوش دولت مردان بر نداشتیم؛ بلکه مسئولیت بزرگتری را بر دوش آن‌ها گذاشتیم و آن قوی کردن مردم است.

گام دوم، نقشه راه ما به سوی ظهور

اگر ما می‌خواهیم، مقدمه سازی کنیم برای ظهور، آیا اقدامی مهم‌تر از این اقدام وجود دارد؟ قوی کردن مردم توسط دولت اسلامی تا بتوانند بزرگترین مسئولیت‌ها را تحمل کنند، مردم هم مسئولیت پذیر باشند نه مسئولیت گریز. این دو گام بزرگ به سوی ظهور هست. لذا مقام معظم رهبری علیه السلام بیانیه گام دوم را خطاب به مردم و جوانان تنظیم کردند نه مسئولین، فرمودند جوانان بیایند و زیر بار این مسئولیت بزرگ بروند. گام دوم نقشه راه ما به سوی ظهور هست.

گوهر مرکزی بیانیه گام دوم، فعال کردن بخش مردمی نظام است. فقط یک عزم جدی می‌خواهد، تاشیوه حکمرانی از تصدی گری دولت به واگذاری کارها به مردم و مشارکت حقیقی مردم در اقتصاد، فرهنگ و بسیاری از حوزه‌های حکمرانی محقق شود. این همان دولت اسلامی است که ما منتظر آمدنش هستیم. دولت زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت.

^۱. «فَرَوَىٰ ذَٰلِكَ عَنَّا فَصَبَّحْنَا نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ» (همان)



سخن دوم: انقلاب مردمی، مردم انقلابی

شباهت های انقلاب حضرت موسی علیه السلام و انقلاب سید روح الله رحمه الله

یکی از داستان های پرتکرار در قرآن کریم، داستان موسی علیه السلام و بنی اسرائیل است. در قرآن بیشتر از همه انبیا ذکر حضرت موسی شده است. شاید ما خیلی زودتر باید فیلم حضرت موسی علیه السلام را می ساختیم، حتی زودتر از فیلم حضرت یوسف علیه السلام، چون پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

« شباهت های فراوانی، بین امت حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل با امت من وجود دارد. »^۱

البته من نمی خواهم خیلی این شباهت ها را شرح و بسط بدهم، بیشتر می خواهم روی یک تفاوت اساسی که وجود دارد؛ تمرکز کنم و آن را شرح و بسط بدهم.

۱. ظلم فرعون ها

یکی از شباهت ها بین قوم موسی علیه السلام و ما، این بود که آنها تحت ظلم فرعون بودند و مردم ما هم تحت ظلم فرعون زمان خودشان بودند. بعضی های طوری از دوران طاغوت، صحبت می کنند انگاری آن موقع گل

۱. «لَتَرْكَبُنَّ امْتِي سُنَّةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذُوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ [وَحَذُوَ] الْقَدَّةَ بِالْقَدَّةِ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ» (سليم، ج ۲، ص ۵۹۹)

و بلبل بوده است. پس مردم مریض بودند، جان دادند، جوان دادند؟ زجر کشیدند.

چقدر ما در جنگ روایت ها، ضعیف هستیم، هنوز صورت ما از سیلی نظام طاغوتی سرخ است. نتوانستیم بعد از چهل سال، آوار برداری کنیم از ساختارهای طاغوتی، بعد بعضی ها با چه جرات و جسارتی از نظام طاغوتی دفاع می کنند.

شاه بزدل، شاه ذلیل را عزیز کنند، آدم خجالت می کشد بگوید این مرد، شاه مملکت است. از فرعون، می خواهند فرشته درست کنند. ما چه وضعیتی داشتیم؟ به حافظه ی تاریخی خودمان، برگردیم و ببینیم ما در چه وضعیتی بودیم.

درست است الان مشکلات فراوانی داریم، اما اگر آن وضعیت گذشته ادامه پیدا می کرد، مشکلات ما صد برابر سخت تر از مشکلات حالای ما می شد. بله شاید جنس مشکلات ما، فرق می کرد، اینقدر نظام سلطه، برای ما مشکلات درست نمی کرد، اما چوبی که از همان نظام طاغوتی می خوردیم، صد برابر بدتر از تحریم نظام سلطه بود. شاید الان چیزی به نام ایران پهناور باقی نمانده بود.

ما در چه وضعیتی بودیم؟

ما در چه وضعیتی بودیم؟ خیلی مهم است این را به یاد بیاوریم، برای بچه های خودمان بگوییم، فکر نکنند، ما یک گلستانی را رها کردیم. فرمود:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذَّيْحُ أُنْبَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ فرعون

در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت او به یقین از مفسدان بود! ^۱»

مگر شاه ملعون اینکارها را نمی‌کرد، ضعیف‌کشی نمی‌کرد، مردم را به ضعف نمی‌کشاند. بچه‌های این ملت را نمی‌کشت؟ حرمت بانوان را نمی‌شکست؟ اگر شاه فرعون نبود چی بود؟ بعضی‌ها می‌خواهند از شاه فرعون، شاه فرشته درست کنند؟

۲. رهبری شجاع

پس یکی از شباهت‌ها، همین وجود نظام طاغوتی بود. یکی دیگر از شباهت‌ها، وجود شخصیت نازنینی بود مثل حضرت امام رحمته‌الله علیه بود. حضرت امام رحمته‌الله علیه، مثل حضرت موسی علیه السلام، با شجاعت تمام مقابل طاغوت، ایستاد و ایستادگی کرد.

امام رحمته‌الله علیه، فرمودند:

«والله، تا حالا نترسیده‌ام [ابراز احساسات حضار]. آن روز هم که می‌بردندم، آنها می‌ترسیدند؛ من آنها را تسلیت می‌دادم که نترسید.» ^۲

جانم به شجاعت امام!

اگر شما نترسیدی، اگر مسئول شما نترسید، دشمن جرائت تحریم و تهدید ندارد. این قاعده است. قرآن می‌فرماید تمام امکانات و ابزار قدرت را برای خودتان فراهم کنید حالا چرا باید ابزار قدرت را فراهم کنید؟

^۱. قصص، ۴.

^۲. ۸ صبح ۲۶ فروردین ۱۳۴۳.

«تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ؛ تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد!»^۱

تو باید دل دشمن را خالی کنی، هم دشمنان داخلی، هم دشمنان خارجی. وقتی رئیس دولت سیزدهم با شجاعت، دشمن را تهدید می‌کند. دشمن دست از تحریم و تهدید برمی‌دارد. این اثر تهدید دشمن است. امام این طوری بود. شجاعت امام، به مردم شجاعت می‌داد. امام رحمته الله علیه می‌فرمود:

«من کراراً گفتم و باز هم تکرار می‌کنم این تحولی [است] که از خوف و ترس به شجاعت متحول شدند. شما ملاحظه کردید، دیگر اینها همه یادتان هست، که يك پاسبان اگر می‌آمد در بازارها؛ بازار تهران، بازار تبریز و می‌گفت که «۴ آبان» است و باید بیرق بزنی سر دکانها، توی ذهن مردم اصلاً نمی‌آمد که می‌شود هم با پاسبان معارضه کرد و گفت نه. همه اطاعت می‌کردند روی اینکه خوب، دنبالش خوف اینکه حبس باشد، زجر باشد، شکنجه باشد. در ظرف کمتر از دو سال آخر این انقلاب، در ظرف کمتر از دو سال، همین جمعیت‌ها يك تحولی درشان پیدا شد که ایستادند در مقابل توپ و تانک و مسلسل و گفتند ما اصلاً رژیم [شاه را] نمی‌خواهیم. آنکه به خودش جرأت نمی‌داد که بگوید من امشب این کار را نمی‌کنم و بیرق نمی‌زنم، این

جرات را پیدا کرد که مشتش را گره کند و جلو برود. بریزند توی

خیابان‌ها و فریاد بزنند که مرگ بر این سلطنت کذا.»^۱

شجاعت امام رحمته الله علیه به مردم شجاعت می داد.

شهید شاهرخ، معروف است به حر انقلاب اسلامی، برای خودش برو بیای داشت. اما وقتی خدا دست دلش را گرفت، از این رو به آن رو شد. بهمن ۵۷ بود. شب و روز می گفت: فقط امام، فقط خمینی رحمته الله علیه وقتی در تلویزیون صحبت‌های حضرت امام پخش می شد، با احترام می نشست. اشک می ریخت و با دل و جان گوش می کرد. می گفت:

عظمت را اگر خدا بدهد، می شود خمینی، با یک عبا و عمامه آمد. اما عظمت پوشالی شاه را از بین بُرد. همیشه می گفت: هرچه امام بگوید همان است. حرف امام برای او فصل الخطاب بود. برای همین روی سینه اش خالکوبی کرده بود که: فدایت شوم خمینی.^۲

شجاعت امام از او دلبری کرده بود.

یکی از شجاعت‌های فوق العاده امام رحمته الله علیه نترسیدن از سرزنش‌ها بود. وقتی خودی‌ها دل تو را خالی می کنند، به هدف تو، به راه تو شک کنند، حتی تو را سرزنش کنند، تو محکم بایستی و بگویی این راه درست است، این شجاعت می خواهد. البته این شجاعت ریشه در عقلانیت و منطق دارد. شجاعت از سر لجبازی نیست. شجاعت ریشه در عقلانیت دارد. ریشه در واقع بینی دارد. امام چون واقعیت‌ها را می دید، مقابل شاه می ایستد و از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی ترسید.

۱. ۱۳ تیر ۱۳۵۸.

۲. مشرق، شهیدی که روی بازو نوشته بود فدایت شوم خمینی، کد خبر: ۵۰۸۳۳۵

گاهی برخی از علماء، از سر دلسوزی به امام می گفتند از این راه را برگردید، امام می فرمود نه این راه، راه درستی است. دیگر به احترام علماء ما چیزی نمی گوییم البته کم هم نبودند، علمایی که با امام همراهی کردند اما مسیر مسیر ناهمواری بود. شجاعت امام، این مسیر را هموار کرد.

تفاوت قوم بنی اسرائیل و امت سید روح الله ﷺ، راز موفقیت، رمز ظهور

اینها شباهت های حرکت حضرت موسی ﷺ و حضرت امام ﷺ هست اما تفاوت اساسی که بین ما و بنی اسرائیل وجود دارد، آن چیست؟ این تفاوت، راز موفقیت انقلاب اسلامی است. رمز ظهور است.

بعضی ها فکر می کنند انقلاب اسلامی، یک اتفاق بود، یک معجزه بود که منطقی پشت سرش نداشت. نه این طوری نیست. اگرچه انقلاب اسلامی معجزه بود، اما این معجزه منطق داشت، منطقش همان تفاوت بین امت حضرت موسی ﷺ، با امت امام خمینی ﷺ است. پس از رنج های فراوانی که قوم حضرت موسی ﷺ کشیدند و از دست فرعون نجات پیدا کردند، بعد از رهایی از وضع موجود بد، وقتی خواستند یک وضع خوب را برای خودشان درست کنند، باید آستین بالا می زدند و یک وضع خراب دیگری را خودشان تغییر می دادند.

حضرت موسی ﷺ، فرمود بسم الله آستین بالا بزنید و با این دشمنان بجنگید و موانع را بردارید و وارد سرزمین مقدس شوید. گفتند یا موسی تا شما اینها را بیرون نکنی، ما وارد سرزمین مقدس نمی شویم. یک نفر از یاران خوب حضرت موسی ﷺ گفت آی ملت! کاری ندارد، کافی است شما اقدام کنید، پیروزی با شماست.^۱ گفتند:

۱. «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَآتَكُمْ غَالِبُونَ» (مائده، ۲۳)

«یا مُوسى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ ای موسی! تا مدامی که اینها هستند ما داخل این سرزمین نمی شویم؛ تو خدای تو بروید آن دشمنان را نابود کنید، ما اینجا نشستیم»^۱

این بندگان خدا! توقع چندان بی جایی هم نداشتند، تا حالا تمام مشکلاتشان را حضرت موسی (علیه السلام) و معجزات الهی حل کرده است، فکر کردند ادامه کار را هم باید حضرت موسی (علیه السلام)، کار را با معجزه پیش برد. ولی خدا فرمود، نه دیگه! از اینجا به بعد، کار خود شماست. من کمک می کنم ولی به شرط اینکه شما اقدام کنید.

امت موسی (علیه السلام)، اینجا کم آوردند، اینجا کوتاه آمدند، اینجا نشستند، خدا هم بلایی سرشان آورد، مبتلا شدند به اینکه چهل سال دور خودشان می گشتند، خدا نسل اینها را نابود کرد، تا یک نسل دیگری بیاید، بعد از این وضعیت نجاتشان داد. خیلی عجیب است، این عقوبت، برای مردمی که نشستند.

تفاوت اساسی در قیام و قعود مردم است

تفاوت اساسی امت موسی (علیه السلام) و امت روح الله (ص) اینجا بود. در یک قیام مردم و یک قعود و نشستن مردم؛ وقتی امام در اولین بیانیه خودشان، این آیه را که تک موعظه خدا به بندگانست، خواند که خدا فرمود:

«قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنِئى وَفُرَادى؛ بگو: «شما را تنها به يك چیز اندرز می دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا يك نفر يك نفر برای خدا قیام کنید»^۲

۱. مائده، ۲۴.

۲. سبأ، ۴۶.

امام انقلاب خودش را با دعوت به قیام مردم، شروع کرد. مردم ما، نشستند، نگفتند امام خودت با خدای خودت برو بجنگ! نه خودشان آستین بالا زدند، انقلاب کردند. انقلاب ما مردمی بود و مردم ما هم انقلابی بودند و البته هنوز هم پای کار انقلاب خودشان هستند.

امام حجی القلیه فرمودند:

«ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این يك معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد. و این يك هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارك و تعالی به ما اعطا فرموده است.»^۱

معجزه با حضور مردم اتفاق می‌افتد، معجزه حضور مردم است.

مقام معظم رهبری عنه در اول بیانیه گام دوم فرمودند:

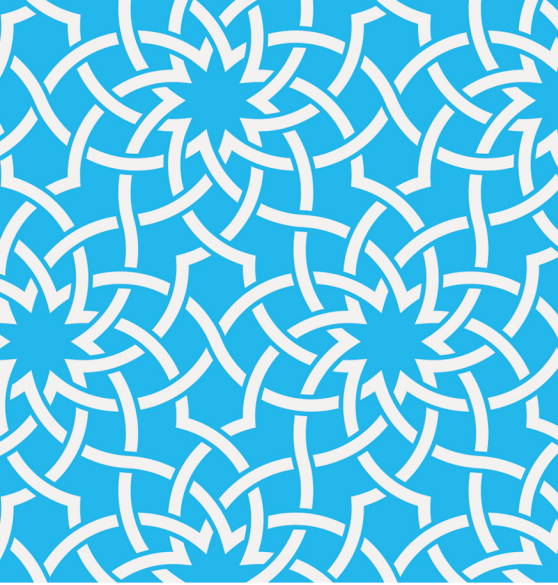
«از میان همه‌ی ملّت‌های زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملّت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است»

قیام مردم، رمز موفقیت انقلاب بودند و هستند.

^۱. صبح ۲۸ اسفند ۱۳۵۹.

بحران جنگ، با قدرت مردم حل شد

این تفاوت را با صدای بلند باید فریاد زد، چرا انقلاب موفق شد؟ چون مردم قیام کردند. مردم قیام کنند، همه ابرقدرت ها را شکست خواهند داد. مردم قیام کنند، همه مشکلات را حل خواهند کرد. این مدلی است که ما چهل سال در انقلاب اسلامی آن را تجربه کرده ایم. ما بزرگترین بحران های این کشور را با مردم حل کردیم، جنگ تحمیلی، بزرگترین بحران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود، این جنگی که همه دنیا علیه ما بود را چطور پیروز شدیم؟ با حضور مردم. این تجربه عینی ماست از قدرت مردم، در حل مشکلات و بحران ها، چرا امروز این قدرت برای حل مشکلات خودمان استفاده نکنیم؟



سخن سوم: راز موفقیت امام رحمة الله عليه

دو کار بزرگ امام خمینی رحمة الله عليه

اگر بخواهیم بگوییم امام رحمة الله عليه در دوران عمر شریفشان دو تا کار مهم و اساسی انجام دادند، یکی رهبری انقلاب اسلامی بود و دیگری مدیریت جنگ و جبهه.

اگرچه پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ و جبهه دو مقطع متفاوت هستند، اما مدیریت امام رحمة الله عليه، در هر دو کار مهم و اساسی، از یک ریشه و مبانی مشترک پیروی می کند. یعنی امام با همان مدل مدیریتی که انقلاب اسلامی را برپا کرد، با همان مدل جنگ و جبهه را مدیریت کرد.

مدل مدیریتی امام رحمة الله عليه چگونه بود؟

حالا مدل مدیریتی امام، چگونه بود؟ مدل مدیریتی امام در واقع راز موفقیت امام بود. مدل مدیریتی امام، برآمده از فقه امام و فهم عمیق امام از اسلام بود. این را نباید کسی انکار کند. یعنی وقتی ما می گوییم مدل مدیریتی امام، یعنی مدل مدیریتی اسلام، چون امام، فهم خودش از اسلام را در قالب مدیریت اجرایی و عملیاتی می کرد.

مدل مدیریتی امام علیه السلام، همان مدل مدیریتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

مدیریت امام، هم در جنگ و هم در انقلاب اسلامی، مبتنی بر مردم بود. این مدلی است که امام از اسلام فهمیدند. این همان مدلی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مدیریت کردند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قبل از اینکه به مدینه بروند و آنجا را به وجود خودشان منور بکنند، عده‌ای از مردم مدینه با ایشان بیعت کردند که به بیعت «عقبه دوم» مشهور شد. یعنی هفتاد نفر از مردم مدینه که مسلمان شده بودند، پیش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند که ما حاضر هستیم از شما دفاع کنیم و شما را حمایت کنیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا - سر حمایت از خودشان - بیعتی را با آنها انجام دادند. بلافاصله بعد از اینکه بیعت انجام شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کار کردند؟ موعظه اخلاقی کردند؟ سفارش به نماز کردند؟ آیا فرمودند که بروید زمین مسجد را آماده کنید که من می‌خواهم بیایم آنجا مسجد بسازم؟! چه کار کردند؟

پیغمبر مردم مدینه را به گروه‌های ده نفر سامان دادند

بلافاصله دوازده نفر رئیس برای مدینه معین کردند! آقا یا رسول الله! کسی که از شما رئیس نخواستہ بود، آنجا خودشان رئیس داشتند و بالاخره یک‌طوری کارها را اداره می‌کردند. آقا یا رسول الله! هنوز که همه مردم مدینه مسلمان نشده بودند! برای آن شهر، چرا دوازده تا رئیس تعیین می‌کنید؟ الان برای شهرهای بزرگ‌تر از این هم یک نفر رئیس می‌گذارند! نه؛ نمی‌شود که برای یک جایی، رئیس تعیین نکنید، و بعد بروید آنجا کار

فرهنگی و معنوی بکنید. اسامی آنها هم توسط جبرئیل امین از آسمان آمده بود. به آنها می گفتند: «نقباء»^۱

بعد پیامبر ﷺ مردم مدینه را به گروه‌های ده نفری تقسیم کردند، و برای هر کدام یک سرگروه قرار داد که نام آنها «عریف» بود و عریف‌ها هم سرگروه‌هایی داشتند که «نقیب» نام داشت و آن نقیب‌ها با پیامبر ارتباط داشتند و وسیله مدیریت پیامبر ﷺ بر شهر مدینه بودند، یعنی پیامبر اکرم ﷺ مردم را تشکیلاتی کردند و شهر مدینه را به صورت تشکیلات اداره می کردند.

امیرالمؤمنین علی تشکیلات مردمی داشت

امیرالمؤمنین علی مدل مدیریتی خودش مبتنی بر مردم بود. ایشان تشکیلات مردمی داشت به نام «شرطه الخمیس»، شرطه الخمیس، برخی از یاران امیرالمؤمنین علی بودند که خیلی تسلیم حضرت بودند. حضرت به آنها فرموده بود که وقتی من چیزی به شما گفتم، شما دیگر اعتراض نکنید و بپذیرید و نگوئید: «چرا؟!» البته معلوم است که امیرالمؤمنین علی کسی را اجبار نمی کرد که باید و جزء شرطه الخمیس بشود، بلکه آنها به خواست خودشان می آمدند.^۲

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَخْرِجُوا إِلَيَّ مِنْكُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا يَكْفُلُونَ عَلَيْكُمْ بِذَلِكَ كَمَا أَخَذَ مُوسَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا فَقَالُوا احْتَرَمْنَا شَيْئًا، فَأَشَارَ جَبْرِئِيلُ ﷺ إِلَيْهِمْ فَقَالَ هَذَا نَقِيبٌ وَ هَذَا نَقِيبٌ» (اعلام البوری، ص ۶۰) و «ولا يجدن أحد منكم في نفسه أن يؤخذ غيره فإنما يختار لي جبرئيل» (طبقات الكبرى، ج ۳، ص ۴۵۲) و «اخْتَارَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ أَمَتِهِ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا أَشَارَ إِلَيْهِمْ جَبْرِئِيلُ وَأَمَرَهُ بِاخْتِيَارِهِمْ كَعَدَةِ نَقَبَاءِ مُوسَى ﷺ تِسْعَةً مِنَ الْخَزَرَجِ وَثَلَاثَةً مِنَ الْأَنْصَارِ» (خصال، ج ۲، ص ۴۹۱)

۲. روی الکشی بسنده عن الأصمغ قال له رجل كيف سميتم شرطه الخميس قال لأننا ضمنا له الريح وضمن لنا الفتح يعني أمير المؤمنين علي و في رواية قال لنا تشرطوا فوالله ليس اشتراطكم لذهب ولا فضة و ما اشتراطكم الا للموت» (أعيان الشيعة، ج ۷، ص: ۳۳۶)

در مدل حکمرانی اسلامی، مردم بیشتر از نخبگان نقش آفرین هستند
امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه راهبردی خودشان به مالک اشتر، مدل مدیریتی
مبتنی بر مردم سالاری دینی را شرح می دهند، می فرمایند:
«إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ
فَلْيَكُنْ صُغُوكَ لَهُمْ وَ مِيلُكَ مَعَهُمْ؛ همانا ستون دین، و جمعیت
مسلمانان، و مهیا شدگان برای جنگ با دشمن توده مردمند، پس
باید توجه و میل تو به آنان باشد.»^۱

ببینید در مدل حکمرانی اسلامی، مردم بیشتر از نخبگان نقش آفرین
هستند، حضرت قبل از این سخن، از نقش کم رنگ خواص حرف می زنند
و از نقش پر رنگ عوام سخن می گویند.

هدف امام از تشکیل حکومت این بود که مردم همه کاره باشند
امام از این مدل مدیریتی، الهام گرفت و این مدل را عملیاتی کرد و موفق
هم بود. اگرچه امام حکومت تشکیل داد اما حقیقتاً هدف از حکومت این
بود که مردم همه کاره باشند. در مدیریت امام مردم فقط نقش تحقق
حکومت را ندارند بلکه امتداد حکومت، حل مشکلات حکومت بدون مردم
امکان ندارد. محال هست.

چرا الان با وجود این همه دشمنی ها علیه انقلاب، انقلاب هنوز روی پا
ایستاده است؟ در مدل مدیریتی امام، مردم پای انقلاب خودشان هستند.
انقلاب را از آن خودشان می دانند. در مدل مدیریتی امام، مردم تشریفات
نیستند، اصل ماجرا هستند. امام مردم را برای انقلاب نمی خواست، امام
انقلاب را برای مردم می خواست.

^۱. نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر.

مدل مدیریتی امام، مردم محور است

فقه امام، فهم عمیق امام از اسلام، اسلام شناسی امام، او را به این مدل مدیریتی رسانده بود. مدل مدیریتی امام، مردم محور است.

حالا نقش حکومت چیست؟ حکمت تشکیل حکومت چیست؟ حکمت حکومت، قوی شدن مردم است. در فقه امام، مردمنده که باید قوی بشوند و مشکلات خودشان را، خودشان حل کنند.

چرا امام بسیج را طراحی کرد؟

از اول انقلاب دو مدل مدیریتی مطرح بوده است، یک مدل مدیریتی دولت محور هست، یک مدل مردمی محور. وقتی شما در مدیریت امام، جای مردم را محوری و حقیقی ببینید بعد می فهمید طرح امام برای بسیج چی بود؟ چرا امام بسیج را طراحی کرد؟ چرا فرمود ۲۰ میلیون بسیجی می خواهیم.^۱

عنصر اصلی بسیج، مردمی بودن آن است.

عنصر اصلی بسیج، که بدون آن بسیج، بسیج نیست، بدون آن، بسیج هویت خودش را از دست می دهد، آن عنصر اصلی چیست؟ عنصر اصلی بسیج، مردمی بودن آن است. بسیج سازمان مردمی است. تشکیلات مردمی است.

ما همیشه به بسیج نگاه امنیتی داشته ایم به خاطر دفاع مقدس، بیشتر نقش بسیج را در امنیت جامعه دیدیم در حالی که به قول رهبری، کارآمدترین نهاد مردمی می شود نامش «بسیج». نقش بسیج در اقتصاد چیست؟ در مدل مدیریتی امام، نه مردمی بودن بسیج را پررنگ دیدیم نه نقش بسیج را در اقتصاد دیدیم.

۱. امام خمینی (ره) در پنجم آذر ۱۳۵۸ فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی یا بسیج مستضعفین را صادر نمایند.

بسیج تحقّق مردم سالاری دینی است

اگر مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند تنها راه حل مشکلات، اقتصاد مقاومتی است و اقتصاد مقاومتی مردمی محور است، بسیج آن نهاد مردمی است که ظرفیت بزرگی برای حل مشکلات اقتصادی جامعه را دارد.

تشکیلات بسیج، تشکل مردمی بسیج اینها عباراتی هستند که هم به مردمی بودن بسیج و هم به تشکیلاتی بودن و کار جمعی بسیج اشاره دارند و چقدر خوب هست بسیج را این طوری ببینیم.

مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند:

«بسیج تحقّق مردم سالاری دینی است. ما که میگوییم مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی، بعضی خیال میکنند این مردم سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه‌های مردم سالاری دینی است. مردم سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالارِ زندگی جامعه، خود مردمند؛ مردم سالاری یعنی این؛ این معنای مردم سالاری اسلامی است. بسیج در همه‌ی عرصه‌ها مظهر مردم سالاری دینی و مردم سالاری اسلامی است. اگرچنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد میشود مردم سالار؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوّت و قدرت بسیج استفاده کند، میشود اقتصاد مقاومتی مردم سالار؛ در علم همین جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین جور است، در سیاست همین جور است؛ مظهر مردم سالاری دینی، بسیج است.»^۱

۱. ۱۳۹۵/۰۹/۰۳ بیانات در دیدار بسیجیان.

حالا اگر از من و شما بپرسند بسیج کارکرد اصلی آن چیست؟ مردمی بودن بسیج، تشکیلاتی بودن بسیج. این دو صفت برجسته بسیج، بسیج را بی نظیر کرده است.

اگر مردم ما از کلمه بسیج یاد تشکیلات مردمی نیفتند، یعنی ما بسیج را خوب توضیح نداده ایم

اگر از من و شما بپرسند چرا ما عضو بسیج هستیم، اصلا مردم ما از کلمه «بسیج» یاد چه مفاهیمی می افتند؟ اگر مردم ما از کلمه بسیج یاد تشکیلات مردمی نیفتند، یعنی ما بسیج را خوب توضیح نداده ایم. بسیج جایی است که آدم ها یاد می گیرند کار جمعی و زندگی جمعی داشته باشند.

ما زندگی جمعی و کار جمعی بلد نیستیم و نمی خواهیم جمعی زندگی و فعالیت کنیم. زندگی جمعی، هم مربوط به اقتصاد است و هم مربوط به سیاست و هم به سبک زندگی. بدون زندگی جمعی اخلاق، فرهنگ، سیاست و... درست نمی شود. حتی حجاب هم به زندگی جمعی ربط دارد. وقتی من اهمیت ندهم که پوشش من چه تأثیری بر دیگران می گذارد، خودم را به رعایت حجاب ملزم نمی دانم و هر کاری بخواهم انجام می دهم ولی کسی که زندگی جمعی را یاد گرفته نمی تواند به دیگران و تأثیر افراد بر آرامش یکدیگر بی توجه باشد.

کدام نهاد و سازمان هست که به ما کار جمعی و زندگی جمعی را آموزش می دهد؟ بسیج جایی برای کار جمعی و زندگی جمعی است. مشکلات امروز بدون تشکیلات مردمی محال است حل شود، بهترین دولت ها، بدون نقش آفرینی مردم در حل مشکلات اقتصادی، نمی توانند مشکلات اقتصادی را حل کنند.

ما مشکلات منطقه را به مدل بسیج حل کردیم

ما مشکلات منطقه را به مدل بسیج حل کردیم، داعش را با مدل بسیج نابود کردیم. وقتی سامانه بسیج مردمی در عراق و سوریه شکل گرفت، داعش نابود شد. این قدرت مردم است، در ساختار بسیج. حالا چرا مشکلات اقتصادی خودمان را با بسیج حل نکنیم؟

ریشه قرآنی بسیج

ریشه قرآنی بسیج، قیدی است که بعدش می آید و ما معمولاً آن قید را نمی آوریم و خلاصه می کنیم، آن قید چیست؟ «بسیج مستضعفان»، مستضعفان چه کسانی هستند؟ خداوند متعال می فرماید مستضعفان دو تا ویژگی دارند یکی اینکه مدیریت زمین به آنها می رسد و دیگری اینکه آنها وارثان زمین هستند؛ فرمود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»^۱

منظور از مستضعفان، فقط اهل بیت علیهم السلام نیستند بلکه شیعیان هم در زمره مستضعفان قرار می گیرند. مستضعف اینجا به معنای ضعیف نیستند؛ بلکه مستضعفان یعنی کسانی که در اداره زندگی خودشان اختیاری ندارند. مردمی که در مدیریت زندگی خودشان نقشی ندارند، مستضعف هستند. طواغیت عالم، اگرچه همیشه شعار مردم سر داده اند، اما هیچ گاه به نفع مردم نبوده اند، منظور آنها از مردم، عده خاصی از مردم هست که همان سرمایه دارها هستند.

^۱. قصص، ۵.

وقتی امام می‌فرماید، بسیج مستضعفان، این عبارت ریشه قرآنی دارد. مهم‌ترین ویژگی این گروه، این است که در نهایت در قدرت و ثروت نقش آفرین هستند. این آیه دوباره به مردمی بودن بسیج اشاره می‌کند.

خداوند در آیه فوق می‌فرماید: ما می‌خواهیم مستضعفین را امامان و وارثان زمین قرار بدهیم! «نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ مستضعفانی که می‌خواهند امامان و وارثان زمین قرار بگیرند باید زمینه و ظرفیت داشته باشند چون قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲

خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها ابتدا خودشان سرنوشت خودشان را تغییر بدهند و برای تغییر سرنوشت خودشان اقدام کنند.

مردم، رکن اول حل مشکلات

رکن اول حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شما مردم هستید. چرا پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ع^۱ همه مشکلات جامعه خودشان را حل نکردند؟ امیرالمؤمنین ع^۱ فرمود:

«وَلَيْسَ أَمْرٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنْزِلَتُهُ وَ تَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يَعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ هِيَ كُلُّهَا»^۳
قدر او در حق بزرگ، و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند»^۳

۱. قصص/۵.

۲. رعد، ۱۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶

یعنی مدیریت جامعه به دست امیرالمؤمنین باشد بدون مردم مشکلات حل نمی شود. مدیر جامعه به تنهایی کاری از دستش بر نمی آید. الان رهبر انقلاب که همه مشکلات را می دانند چرا مشکلات را خودشان حل نمی کنند؟ به دلیل اینکه سیستم ولایی اساساً این گونه است که سعی می کند مردم را «قدرتمند» کند تا مردم خودشان در یک «حرکت جمعی» بتوانند روی پای خود بایستند، یعنی میدان می دهد که خود مردم رشد کنند و قدرت پیدا کنند تا بتوانند مشکلات را حل کنند. این روش، تنها روش پایدار برای برقراری عدل در یک جامعه است.

اگر مردم، زندگی خود را، خودشان اداره کنند و روی پای خود بایستند، شاید نصف «قوانین مجلس» کاهش پیدا کند، چون بسیاری از قوانین برای کنترل فساد است، اما وقتی کار دست خود مردم باشد، فساد بسیار کم می شود و دیگر نیاز به این همه قانون نیست. از سوی دیگر نظارت قوه قضائیه هم به شدت کم می شود؛ چون مدیران، کار چندان دستشان نیست که قوه قضائیه بخواهد بر آنها نظارت کند.

چگونه مردم می توانند مشکلات خودشان را خودشان حل کنند؟

چگونه مردم می توانند مشکلات خودشان را خودشان حل کنند؟

تغییر در سبک زندگی جمعی اقتصادی: یکی از مدل های تغییر در سبک زندگی جمعی اقتصادی همین جریان بزرگ مواسات و رسیدگی به نیازمندان است که توسط مقام معظم رهبری علیه السلام مطرح شده و مردم اجرا می کنند.

امام صادق علیه السلام:

«مسلمانان باید که در پیوند با یکدیگر تلاش کنند و در مهرورزی به یکدیگر، همکاری نمایند و به نیازمندان کمک کنند و با یکدیگر با

عطوفت باشند، تا همان گونه که خداوند عزوجل به شما دستور داده است، نسبت به هم مهربان و رحیم باشید، و برای آنچه از امور آنان که از شما فوت شده است [و نتوانسته‌اید گرفتاری آنان را برطرف سازید و به وظیفه خود در قبالشان عمل کنید]، اندوهگین شوید، درست همان طور که گروه انصار در زمان پیامبر خدا بودند.»؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ فِي التَّوَاضُّعِ، وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ، وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَ تَعَاظُفِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) مُتَرَاحِمِينَ، مُعْتَمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ، عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعَشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام»^۱

رابطه با ولایت مداران رکن دوم ولایت مداری

ما معمولاً ولایت مداری را خلاصه می‌کنیم، در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با اولیای خدا یعنی اهل بیت علیهم السلام. می‌گوییم ولایت مداری یعنی معرفت، محبت و اطاعت ولی خدا. حرف درستی است ولی آیا ولایت مداری به همین جا خلاصه می‌شود؟ یا نه! ولایت مداری یک ستاره‌ی دنبال داری است که به دوستان اهل بیت علیهم السلام هم می‌رسد؟ به نظر می‌رسد، ولایت مداری دو رکن دارد یکی رابطه با ولی و دیگری رابطه با ولایت مداران.

ما ولایت‌مداری را در دو بخش طولی و عرضی تفسیر می‌کنیم. رابطه طولی، همان تبعیّتی است که از ولایت داریم. و رابطه عرضی هم تبعیّتی است که از یکدیگر داریم؛ مؤمنین «أُولِيَاءُ بَعْضٍ» هستند.^۲

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱)

ما در بحث ولایت‌مداری در جامعه‌مان بیشتر یک بُعدش بحث می‌شود و آن ارتباط با ولی خدا است ولی از آن بُعد دیگر ولایت‌مداری که ارتباط عمیق با ولایت‌مداران و دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام است، کمتر سخن به میان می‌آوریم. و شما برای اینکه در ولایت‌مداری پرواز کنید نیاز به هر دو بال دارید.

کجا ما می‌توانیم این ولایت عرضی را محقق کنیم؟ بسیج جایی است که می‌توان این قله‌های اجتماعی دین و راه‌گشای اقتصاد و دنیای خودمان یعنی زندگی جمعی را فتح کنیم.

گلایه امام باقر علیه‌السلام: شما در راه ولایت ما برادری نکردید؛ معنای عمیق برادر بسیجی
امام باقر علیه‌السلام در یک کلام کوتاه ولی پر مغز و پر معنا، گلایه بزرگی از پیروان خودشان را رسماً بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«شما در راه ولایت ما اهل بیت علیهم‌السلام برادری نکردید؛ بلکه به همین اندازه که همدیگر را به عنوان شیعه می‌شناسید با هم ارتباط دارید و بس؛ لَمْ تَتَوَاحَّوْا عَلَی هَذَا الْأَمْرِ وَإِنَّمَا تَعَارَفْتُمْ عَلَیْهِ»^۱

این توقع امام باقر علیه‌السلام از ماست. برادری.

قرآن می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۲

الان شما می‌روید بسیج، به شما می‌گویند برادر بسیجی. از بس این بحث برادری در دین ما جدی گرفته نشده است، خوب جا نیفتاده، در فرهنگ عمومی ما، برادر بسیجی را به عنوان تیکه برای مسخره کردن، استفاده می‌کنند، در حالی که خیلی معنای عمیق تری دارد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. حجرات، ۱۰.

اگر ما معنای برادری را در بسیج خوب توضیح می‌دادیم، پدر و مادرها برای بسیجی شدن بچه‌های خودشان از هم سبقت می‌گرفتند. بسیج در ذهن خیلی‌ها شده است جایی برای گذراندن اوقات فراغت، بسیج جایی برای کم شدن دوران خدمت سربازی، در حالی که حقیقت بسیج این نیست، بسیج محل ترویج و تمرین فرهنگ برادری است. این فرهنگ برادری، در جبهه یک مدل زندگی کردن را در عالی‌ترین سطح روابط نشان می‌داد. آنها حاضر بودن برای هم جان بدهند، همان چیزی که دو ملک مقرب خدا حاضر نشدند اینکار بکنند.^۱ در شب هجرت پیامبر ﷺ که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به جای پیامبر به عنوان برادر پیامبر و جان پیامبر در جای پیامبر خوابیده بود.^۲

برای حاج همت سپر انسانی ایجاد کردند

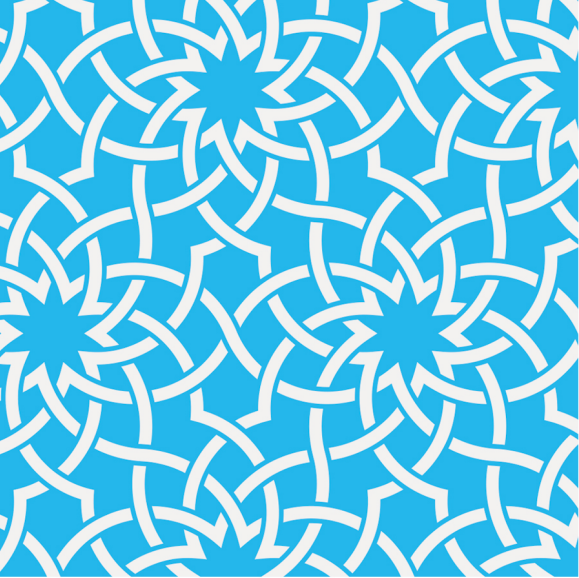
آن رزمنده نقل می‌کنند که شب عملیات خیبر بود. داشتیم بچه‌ها را برای رفتن به خط آماده می‌کردیم. حاج همت هم دور بچه‌ها می‌گشت و پا به پای ما کار می‌کرد. درگیری شروع شده بود. آتش عراقی‌ها روی منطقه بود. هر چی می‌گفتیم «حاجی! شما برگردین عقب یا حداقل برین توی سنگر.» مگر راضی می‌شد؟ از آن طرف، شلوغی منطقه بود و از این طرف، دل‌نگرانی ما برای حاجی. دور تا دورش حلقه زده بودند. این‌جوری یک سنگر درست کرده بودند برای او. حالا خیال همه راحت‌تر بود. وقتی فهمید بچه‌ها برای حفظ او چه نقشه‌ای کشیده‌اند، بالاخره تسلیم شد. چند متر

۱. «أَوْحَى اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) إِلَى جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) أَنِّي قَدْ أَخَيْتُ بَيْنَكُمَا وَجَعَلْتُ عُمَرَ أَحَدِكُمَا أَطْوَلَ مِنْ عُمَرِ صَاحِبِهِ فَأَيُّكُمَا يُؤَيِّرُ أَخَاهُ فَيَكْلَاهُمَا كِرْهًا الْمَوْتَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمَا: عُبْدِي الْأَكْثَمُ مِثْلَ وَلِيِّي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَخَيْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَبِيِّي فَأَتَرَهُ بِالْحَيَاةِ عَلَى نَفْسِهِ»، (امالی طوسی، ص ۴۶۹)

۲. «فَلَمَّا أَخْبَرَهُ جَبْرِئِيلُ ﷺ بِأَمْرِ اللَّهِ فِي ذَلِكَ وَوَحْيِهِ، وَ مَا عَزَمَ لَهُ مِنَ الْهَجْرَةِ، دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا ﷺ، وَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ الرُّوحَ هَبَّطَ عَلَيَّ بِهَذِهِ الْآيَةِ آتِفًا، يُخْبِرُنِي أَنَّ قُرَيْشًا اجْتَمَعُوا عَلَى الْمَكْرِ بِي وَ قَتْلِي، وَ أَنَّهُ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي (عَزَّوَجَلَّ) أَنَّ أَهْجَرَ دَارٍ قَوْمِي، وَ أَنَّ أَنْطَلِقَ إِلَى غَارٍ تَوْرَ تَحْتَ لَيْلَتِي، وَ أَنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَبِيتِ عَلَى ضِجَاعِي» (امالی طوسی، ص ۴۴۵).

آن طرف‌تر، چند تا نفر بر بود. رفت پشت آن‌ها.^۱ چرا بچه‌های رزمنده، یک سپر انسانی ایجاد کرده بودن برای شهید همت؟ این عمق فرهنگ برادری است. حاضر هستند برای هم جان بدهند، جان فشانی کنند. ریشه فرهنگ بسیجی، فرهنگ برادری است. فرهنگ جمع‌گرایی است. فرهنگ مردمی بودن است. اینها در کنار هم بسیج را کارآمدترین نیروی انقلاب اسلامی می‌کند. امیدوارم روزی با مدل بسیج مستضعفان، جهان را آباد و آزاد کنیم. بسیج، مدلی برای حل مشکلات امروز است.

^۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، دسترسی در: «<https://noo.rs/gvVLH>»



سخن چهارم: آثار و فرصت های جهانی انقلاب اسلامی

نگاهی متفاوت به انقلاب اسلامی

ما در این ۲۲ بهمن ماه، می‌خواهیم یک نگاه متفاوتی به انقلاب اسلامی داشته باشیم، نگاهی که کمتر به آن پرداخته شده است و آن نگاه آثار جهانی انقلاب اسلامی است. اگر ما بیشتر با این نگاه به انقلاب اسلامی می‌پرداختیم، شاید تحمل مشکلات داخلی آسان‌تر می‌شد چون بخشی از این آسیب‌هایی که ما در داخل کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم؛ نتیجه آن آثار جهانی انقلاب اسلامی است. وقتی شما آسیب‌هایی که به خاطر آثار جهانی انقلاب اسلامی را دیدی مثل تحریم شدن اما آن اثرگذاری‌های بزرگ انقلاب اسلامی بر جامعه جهانی را ندیدی، بعد تحمل تحریم‌ها سخت‌تر می‌شود، حتی راه حل پیدا کردن برای بی اثر کردن تحریم‌ها غیر ممکن به نظر می‌رسد.

گاهی شما در سرراشویی سقوط داری می‌روی، گاهی شما در سربالایی صعود داری می‌روی، حس شما کاملاً متفاوت است. آنجا مایوس و نا امید هستی، اینجا کاملاً امیدوار رو به بالا حرکت می‌کنی. نگاه به آثار جهانی انقلاب خودتان، شما را امیدوارتر می‌کند.

گاهی اوقات ما آنقدر غرق مشکلات داخلی خودمان می‌شویم، از این آثار جهانی انقلاب اسلامی، غافل می‌شویم. وقتی غافل شدیم، قدرت تحمل و

آستانه تحمل پذیری ما پایین می‌آید. از بس ما درباره این موضوع با هم حرف زده‌ایم بعضی‌ها ناباورانه به این مسئله نگاه می‌کنند، آقا انقلاب ما! آثار جهانی داشته؟! پس چرا ما حس نمی‌کنیم؟ چرا ما زیاد خبردار نمی‌شویم؟!

اگر ما آثار جهانی نداریم، چرا آمریکا ما را تهدید می‌کند؟

یک دلیل بسیار ساده برای اینکه باور کنیم انقلاب ما آثار بزرگی بر جهان بر جای گذاشته است، این است که چرا آمریکا ما را تهدید می‌کند؟ چرا آمریکا ما را تحریم می‌کند؟ اگر ما آثار جهانی نداشتیم؟ اگر در معادلات قدرت، آمریکا را به چالش نکشیده بودیم، آیا آمریکا ما را تهدید می‌کرد؟ تحریم می‌کرد؟

تحلیل پایگاه خبری اروپایی از قدرت‌های تهدید کننده قدرت آمریکا

من می‌خواهم گزارشی از یکی از پایگاه خبری اروپایی به شما بدهم ببینید آنها چه تحلیلی از عملکرد انقلاب ما دارند. پایگاه خبری «مدرن دیپلماسی»^۱ سه سال پیش منتشر کرده، این طوری تحلیل می‌کند، می‌گوید: «آمریکا سال‌هاست ۳ تا کشور را، تهدید کننده قدرت خودش می‌داند» یعنی این ۳ تا کشور، تنه به تنه آمریکا می‌زنند. آینده سیاسی و اقتصادی آمریکا را به خطر می‌اندازند؛ کدام کشوره؟ یکی روسیه به خاطر قدرت نظامی که دارد، دیگری چین به خاطر قدرت اقتصادی که دارد بعد اسم چه کشوری را می‌آورند؟ ایران.

^۱. The Greatest Threats to U.S. National Security: Russia, China, and Iran/Terrorism

دسترسی در:

https://moderndiplomacy.eu/۳۰/۱۱/۲۰۲۲/the-greatest-threats-to-u-s-national-security-russia-china-and-iran-terrorism/?utm_source=chatgpt.com%C3%92BB

رفقا! خواهش می‌کنم دقت کنید! چرا باید آمریکا ایران در کنار چین و روسیه به عنوان تهدید کننده منافع خودش بداند؟ ایران مگر قدرت نظامی روسیه دارد؟ ایران مگر قدرت اقتصادی چین را دارد؟ نه! اما یک قدرتی دارد هم تراز با قدرتمندان اقتصادی و نظامی قرار گرفته است؛ آمریکا حریف خودش را ایران می‌داند.

انقلاب اسلامی که قدرت او را به چالش می‌کشد کنار دو تا قدرت دیگر یکی نظامی و دیگری اقتصادی. اما نامردها! در تحلیل چالشی که در مواجهه با ایران دارند، راستش را نمی‌گویند و مسئله بمب هسته ایران را مطرح می‌کنند. در حالی که آمریکا خودش حداقل ۴۰۰۰ بمب اتمی دارد؛ چطور می‌تواند ایران در صورت دارا بودن بمب هسته تهدید کننده آمریکا باشد، مسئله چیز دیگری است. مسئله قدرت ایران است. قدرت نرم ایران، نفوذ ایران در منطقه و جهان؛ مسئله آمریکا با ایران این است.

قدرت انقلاب اسلامی در برهم زدن معادلات قدرت در جهان

درد اینجاست که کم نیستند ایرانی‌هایی که اینقدر ایران برآمده از انقلاب اسلامی را قبول ندارند، اگر به آنها بگویید: «می‌دانید انقلاب اسلامی به ایران چه قدرتی داده است؟ ایران در جهان برای خودش قدرتی شده است می‌تواند تنه بزند در کنار روسیه و چین به آمریکا» باور نمی‌کنند.

قدرت انقلاب اسلامی و برهم زدن معادلات قدرت در جهان، این یکی از آثار بزرگ و جهانی، انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی، زمانی متولد شد که در جهان تئوری قدرت مبتنی بود بر شرق و غرب و انقلاب اسلامی، به عنوان قدرت سوم ظهور کرد. بسیاری از ماها، هنوز باور نداریم، قدرت انقلاب اسلامی را، رفقا! این توهم قدرت نیست، این تحلیل داخلی از قدرت

ما نیست این تحلیل جهان غرب هست. بگذارید یک بار شده از نگاه غربی‌ها به انقلاب اسلامی و آثار جهانی آن را نگاه کنیم.

جهان حیات خلوت ماست

چرا این وضعیت پدیده آمده است؟ چون فصل افول قدرت هاست. ما فرصت جهانی شدن داریم، الان جهان حیات خلوت ماست، الان غرب هیچ حرف تازه برای بشریت ندارد، هیچ راه تازه برای حل مسائل جهان ندارد، ما بلد نیستیم این واقعیت را به داخل کشور خودمان منتقل کنیم، غربی‌ها بلد نیستند حتی کشور خودشان را، جامعه خودشان را مدیریت کنند؟ چند نفر از مردم ما این حرف را باور می‌کنند؟

میزان فقر در اروپا را بررسی کنیم

آنقدر آلاینده‌های غریزدگی در کشور ما سهمگین و سنگین است، اصلاً در مخیله جامعه ما نمی‌آید یکبار برود میزان فقر را در اروپا بررسی کند؟ آقا! نسبت فقر با اروپا چیست؟ می‌گوید حرفش را زن،

در اتحادیه اروپا، فقر و محرومیت اجتماعی همچنان یکی از چالش‌های جدی است و حدود ۲۱ درصد جمعیت، یعنی تقریباً ۹۳ میلیون نفر، در معرض آن قرار دارند. کودکان به‌ویژه آسیب‌پذیر هستند و نزدیک به یک‌چهارم آنها، معادل حدود ۱۹.۵ میلیون کودک، با خطر فقر یا محرومیت اجتماعی روبه‌رو هستند.

این وضعیت در کشورهای جنوب و شرق اروپا شدیدتر است؛ برای مثال، در بلغارستان و اسپانیا بیش از یک‌سوم کودکان در معرض این خطر هستند، در حالی که در کشورهای شمال و مرکز اروپا مانند اسلونی و چک، این درصد کمتر از ۱۵ درصد است. شاخص فقر و محرومیت اجتماعی اتحادیه

اروپا (AROPE) صرفاً به درآمد محدود نمی‌شود، بلکه شامل محرومیت‌های مادی و اجتماعی و شرایط اشتغال نامناسب خانواده‌ها نیز هست.

تفاوت‌های گسترده بین کشورها نشان‌دهنده نقش سیاست‌های رفاهی، ساختار بازار کار و سطح تحصیلات والدین در کاهش یا افزایش آسیب‌پذیری کودکان است و تأکید می‌کند که مقابله با فقر در اروپا نیازمند اقدامات هدفمند و چندبعدی است.^۱

آقا پس غرب هم درگیر فقر هست یا نیست؟ بعضی‌ها تا می‌گوئی فقر در اروپا هست، انگاری برق سه فاز بهش وصل کردی. آنقدر مرعوب رسانه‌ها هست، آنقدر حقیر تبلیغات هست اصلاً نمی‌تواند این حرف را بپذیرد. مومن به طاغوت و مدیریت نظام سلطه شده است، کافر به طاغوت نیست. انگاری آیه الکرسی نخوانده که فرمود: «هرکسی کافر به طاغوت باشد و مومن به خدا باشد به ریسمان الهی چنگ زده است»، بیا به شما نشان دهم، آنقدر مومنین به خدا در کشور ما هستند که کافر به طاغوت نیستند. مدیریت غربی را کارآمد و گره‌گشا می‌دانند.

یک زن آمریکایی با چشمانی گریان به دلیل شرایط بحرانی زندگی در آمریکا، از جمله تورم بالا، اقتصاد ضعیف و ناامنی گسترده با انتشار این ویدیو در فضای مجازی نوشته است: «از اینجا متنفرم و نمی‌خوام اینجا باشم»^۲ این نمونه از باب مشت نمونه خروار.

۱. Children at risk of poverty or social exclusion

دسترسی در:

https://ec.europa.eu/eurostat/statisticsexplained/SEPDF/cache/50926.pdf?utm_source=chatgpt.com

۲. کانال خبر فوری در ایتا، دسترسی در:

<https://eitaa.com/akhbarefori/399247>

پس غرب خودش با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این وضعیت به روشنی نشان می‌دهد مردم آنها دیگر نمی‌توانند از آن‌ها انتظار برقرار عدل و عدالت داشته باشند. در این شرایط، آیا ما نباید پیام و دیدگاه‌های خود را به جهان منتقل کنیم؟ آیا انقلاب اسلامی ما حرف تازه‌ای برای مردم اروپا و آمریکا دارد؟ آیا پیام انقلاب اسلامی تاکنون به گوش جهانیان رسیده و چه میزان تأثیرگذار بوده است؟

کتابی خواندنی از بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی

یک کتابی هست حتما مطالعه کنید، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، حیف ما اهل مطالعه نیستیم این رو باید فیلمش را بسازند، مستند بسازند نمی‌دانم، باید در هنر کاری کنند تا باور پذیر شود. نمایشگاه بزنیم آثار جهانی انقلاب اسلامی در اروپا و آمریکا خصوصا واقعاً چیست؟^۱ بچه‌های خودباوری به دست بیاورند. آن وقت پرچم افتخار را با دست خودش درب منزلش نصب می‌کند. می‌بیند پرچم انقلاب اسلامی در جهان بالاست هرچند حقیرهای داخلی چشم دیدن این سرافرازی را ندارند.

جهاد تبیین یعنی تبیین آثار جهانی انقلاب اسلامی

۲۲ بهمن بهترین فرصت و موقعیت هست از جهانی شدن انقلاب اسلامی حرف بزنیم. روزی که مردم ایران، پرچم قدرت‌ها را در این کشور پایین کشیدند و پرچم قدرت و عزت و شرف انقلاب اسلامی ایران را برافراشته کردند الان از آثار جهانی انقلاب اسلامی حرف بزنیم، چه زمانی حرف بزنیم؟!

^۱. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، بهنام حمزه.

حضرت آقا فرمودند جهاد تبیین، تبیین آثار جهانی انقلاب اسلامی کار ماست. ما مذهبی ها و انقلابی ها و مردم انقلابی. اولاً خودمان باید برایمان روشن شود، این آثار جهانی اسلامی بعد برای مردم این مسئله را تبیین و روشن کنیم.

ظرفیت های جهانی دین ما

رفقا ما دین جهانی داریم، ما برای جهان بشریت، حرف برای گفتن داریم، آیا برای جهانی شدن آماده ایم؟ دین ما ظرفیت جهانی شدن دارد و ما مسئولیت جهانی داریم. فرمود:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱

ما دینی داریم که مسئولیتش جهانی است؛ آیا ما برای جهانی شدن زنده ایم و زندگی می کنیم؟

در مدارس ما، جهانی شدن آموزش داده می شود؟

چقدر این فکر جهانی شدن، در آموزش های دینی ما، در مدارس ما وجود دارد؟ پسر! دختر! درس بخوان! برای جهانی شدن. این بچه صد برابر بهتر از آن وقتی که برای خودش می خوانست درس بخواند، درس می خواند. چون هدف بزرگتری را برای او نشان دادی، عشق بزرگتری در دل او موج می زند.

بسیاری از بدی های که در بچه های ما دیده می شود به خاطر این هست که اصلاً تربیتی با مدل جهانی شدن و جهانی فکر کردن و برای جهان نقشه و طراحی کردن، معنا ندارد. این ضعف ما در تربیت دینی است. کجا

^۱. توبه: ۳۳.

بچه‌های ما الفبای جهانی اندیشیدن و مسئولیت پذیری برای آبادی و آزادی جهان را تمرین می‌کنند؟

توییح امام صادق علیه السلام، صحابی را که به فکر جهانی شدن نیست

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نزد آن حضرت آمد و از ایشان سؤال کرد:

«ثواب ما یاران شما بالاتر است یا ثواب یاران آخرین امام؟» حضرت فرمودند: «ثواب کارهای شما بالاتر از یاران آخرین امام است.» پرسید: «چرا؟» حضرت فرمودند: «همان‌طور که صدقه پنهانی اجرش بیشتر از صدقه آشکار است، عبادت غریبانه شما به همراه امام غریبتان و در حال ترس از دولت باطل، اجرش از عبادت در حال ظهور حق به همراه امام ظاهر که دولت حق را تشکیل داده است، بیشتر است. ارزش عبادت در حال ترس در دولت باطل با ارزش عبادت در حال امنیت در دولت حق یکسان نیست. ارزش یک نماز در حالت نخست، برابر بیست و پنج نماز در حالت دوم است.»

امام صادق علیه السلام و یارانش غریب بودند، ولی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رئیس عالم است، یارانش غربت ندارند. زحمت می‌کشند، اما غربت ندارند. و معلوم است که عبادت و زحمت توأم با غربت، اجرش بیشتر است از عبادت و زحمت بی غربت. آن آقا نتیجه خاصی از کلام حضرت گرفت و سؤال مهم دیگری پرسید:

«اگر این‌گونه است، چرا دعا کنیم که فرج آن حضرت زودتر فرا

برسد؟ چرا دعا کنیم که از اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان

تحقق دولت حق باشیم، در حالی که الان، که در زمان امامت شما هستیم، ثواب اعمالمان بیشتر است؟»

قبل از اینکه پاسخ امام صادق علیه السلام را بشنویم، حساسیت این سؤال را برای خودمان روشن تر کنیم تا قدر پاسخ امام را بیشتر بدانیم. طبق فرمایش امام صادق علیه السلام، شیعیانی که در زمان امام صادق علیه السلام حضور داشته اند، ثواب نمازشان از شیعیانی که در دوران ظهور نماز می خوانند، بیشتر است.

حالا یک سؤال ساده می پرسیم: «شیعیانی که الان (یعنی در دوران غیبت) نماز می خوانند، ثواب نمازشان بیشتر است یا یاران امام صادق علیه السلام؟» قطعاً شیعیان دوران غیبت؛ چون شیعیان دوران غیبت، همان امام صادق علیه السلام را هم ندیده اند. بر این اساس، اگر ثواب یاران امام صادق علیه السلام نسبت به دوران ظهور، یک پله بالاتر بوده، ثواب اعمال ما نسبت به دوران ظهور، دو پله بالاتر است. به عبارت دیگر، اگر حضرت تشریف فرما شوند، ثواب کارهای ما دو پله پایین تر می آید. با این تفاسیر، چرا ما باید برای نزدیک شدن ظهور حضرت دعا کنیم؟

الان به دلیل اینکه ما در شرایط بدی هستیم، علی القاعده کارهای خوب ما چند برابر نوشته می شود، و برخی گناهان ما هم عذابش کمتر است و هر کسی هم از گناهش توبه کند، گناهش زودتر بخشیده می شود. اما وقتی حضرت تشریف بیاورند، هم ثواب کارهای خوب ما کمتر می شود، هم عذاب گناهان ما بیشتر می شود. چرا؟

چون اگر کسی در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز بخواند یا زکات بدهد، خیلی هنر نکرده است؛ چراکه در آن زمان حق آشکار شده است. لذا اگر کسی در دوران غیبت شهید شود، قیمتش خیلی بیشتر از این است که در زمان حضرت شهید شود. چون شهید شدن برای امامی که حاضر است، خیلی

راحت تر است. از طرف دیگر، اگر کسی گناه کند، عقابش خیلی بیشتر است. چون در آن زمان آگاهی‌ها افزایش پیدا می‌کند و زمینه‌های گناه کمتر می‌شود.

با این اوصاف، چرا باید علاقه داشته باشیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زودتر تشریف بیاورند؟ و با کدام علاقه برای نزدیک شدن ظهور دعا کنیم؟ اصلاً شاید بد نباشد دعا کنیم که فرج کمی به تأخیر بیفتد تا ما ثواب بیشتری جمع کنیم!

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«سبحان الله! آیا دوست نمی‌دارید که خدای تعالی عدل و حق را در بلاد آشکار کند؛ و حال عموم بندگان را نیکو گرداند؛ و وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند؛ و در زمین خدای تعالی معصیت نشود؛ و حدود الهی در میان خلق اقامه گردد؛ و خداوند حق را به اهلش برگرداند؛ و آنها آن را غالب گردانند تا جایی که هیچ حقی از ترس خلقی مخفی نماند؟ ای عمار! به خدا سوگند هر یک از شما بر این حال بمیرد، نزد خداوند از شهدای بدر و احد برتر خواهد بود. پس مژده باد بر شما؛ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلَفَةِ وَلَا يُعْصِيَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَيُقَامَ خُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُوهُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَ اللَّهِ يَا عَمَّارُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ كَثِيرٍ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا وَأُحُدًا فَأَنْبِشُوا»^۱

۱. خبرگزاری تسنیم، خبر شماره: ۲۷۲۹۳۲.

حضرت گلایه دارند چرا به فکر جهانی شدن نیستید؟ ما به فکر جهان گشایی نیستیم؛ اما باید به فکر جهانی شدن که باشیم و نجات جهان از وضع موجود، این مسئولیت جهانی ماست.

چرا در قرآن داستان تمام اقوام مطرح جهان آمده است؟

قرآن را ببینید، چرا داستان حضرت موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل مفصل می آید؟ چرا داستان حضرت عیسی علیه السلام، مفصل می آید؟ چرا در قرآن داستان تمام اقوام مطرح جهان آمده است؟ مگر قرآن کتاب مسلمان‌ها نیست، پس چرا از مسیحیت حرف می‌زند؟ می‌دانی چرا؟ چون قرآن کتاب جهانی است. کتابی است که مخاطبش جهان بشریت است. از مسیحیت تا یهودیت و هر دین و آیینی. جنس آیات قرآن، جنس جهانی است. اینها ظرفیت‌های جهانی در دین ما و مسئولیت‌های جهانی است بر دوش ما گذاشته است؛ چرا گاهی اوقات از این مسئولیت بزرگ جهانی شانه خالی می‌کنیم؟

انقلاب اسلامی، مسیر جهانی شدن را برای ما و مکتب ما باز کرد، چون حقیقت انقلاب اسلامی، چیزی نبود جز اسلام ناب محمدی. اولین اثر جهانی انقلاب اسلامی، ورود در معادله قدرت است. تمام معادلات قدرت را برهم زدیم، نظریات سیاسی را تغییر دادیم، صدایش را در نمی‌آوریم، وگرنه ابرقدرت‌ها ما را خوب وزن کشی می‌کنند و می‌بینند چطور این انقلاب تبدیل به ابرقدرت شده است.

اعتراف هنری کسینجر، به قدرت انقلاب اسلامی

هرچه ضربات شدیدتر، مقاومت این انقلاب بیشتر، اصلا انگاری انقلاب رویین تن شده است، با هیچ قدرتی، نمی شود آن را نابود کرد. هنری کسینجر، مشاور رئیس جمهوری آمریکا در دهه ۷۰ اعتراف می کند:

«آیت الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه ریزی مواجه کرد، تصمیمات او آن چنان رعد آسا بود که مجال هر نوع تفکر و برنامه ریزی را از سیاستمداران و نظریه پردازان سیاسی می گرفت. هیچ کس نمی توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند، او با معیارهای دیگری غیر از معیارهای شناخته شده در دنیا سخن می گفت و عمل می کرد، گویی از جای دیگر الهام می گرفت، دشمنی آیت الله خمینی با غرب بر گرفته از تعالیم الهی او بود او در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.»^۱

پروفسور برنارد لوئیس، سرشناس ترین یهودی تبار آمریکایی، انقلاب اسلامی را مجدد قدرت و عظمت اسلامی می داند.^۲ این اثر جهانی یعنی قوی شدن و برهم زدن معادله قدرت، فرصت های جهانی را هم برای ما پدید آورده است. فرصت های جهانی اقتصادی، فرصت های جهانی فرهنگی، فرصت های جهانی برای زمینه سازی برای ظهور و ما مثل کسی که کوهی از طلا دارد ولی بلد نیست از این کوه طلا، طلا استخراج کند، نشستیم این فرصت های جهانی انقلاب اسلامی را از دست می دهیم.

۱. همان.

۲. همان.

حل تعارض آثار جهانی انقلاب اسلامی با عدم توان حل مشکلات اقتصادی داخلی

شاید برای برخی این پرسش پیش بیاید که اگر انقلاب اسلامی آثار جهانی دارد و بر جهان و معادله قدرت آن تأثیر گذاشته است پس چرا ما در مشکلات اقتصادی داخلی خودمان مانده ایم؟ چرا نمی توانیم مشکلات اقتصادی خودمان را حل کنیم؟ آیا راه حلی نداریم؟ آیا توان حل مشکلات اقتصادی خودمان را نداریم؟ تعارض بین آثار جهانی انقلاب اسلامی و عدم توان حل مشکلات اقتصادی داخلی چطور پاسخ می دهیم؟

اقتصاد، معادله چند مجهوله

مسئله اینجا است که مشکلات اقتصادی که در کشور وجود دارد، یک معادله چند مجهوله است. یعنی شما برای حل مسئله اقتصاد، چند تا موضوع را باید حل کنی. یک طرف ماجرا، تغییر قوانین هست، کشور ما جز کشورهایی است که گاهی قوانین اضافی، مانع کسب و کار و رونق اقتصادی است. یک طرف ماجرا، قوه قضائیه است، که باید با رانت و این طور مسائل مبارزه کند، یک طرف ماجرا عزم جدی دولت مردانی است که باور به اقتصاد مقاومتی داشته باشند. این چند مسئله در کنار هم، یک طرف ماجراست؛ اما طرف دیگر ماجرا، نقش آفرینی مردم در اقتصاد است. ما راه حل داریم برای حل مشکلات اقتصادی، آن راه حل اسمش اقتصاد مقاومتی است، یکی از پایه های اصلی اقتصاد مقاومتی، مردمی شدن اقتصاد است.

نقش مردم در اقتصاد

اگر مهم ترین اثر جهانی انقلاب اسلامی، برهم زدن معادله قدرت جهان است و تا شما قدرت نداشته باشی نمی توانی این معادله قدرت را برهم بزنی، حالا این قدرت انقلاب اسلامی، از کجا آمده است؟ قدرت انقلاب اسلامی برآمده از قدرت شما مردم است. تجربه تاریخی ما، یک دلیل روشن و بی نقص و کامل هست که هر جا در مشکلات این کشور، کار مردمی شد، موفق شدیم. مقام معظم رهبری (زید عزه) در سخنرانی خودشان با مردم قم خطاب به مسئولین دولت شهید رئیسی فرمودند:

«مسئولین یک ساز و کاری را پیش بگیرند که بتوانند مردم را در تصمیم سازی های دستگاه های مسئول کشور شریک کنند؛ این یک؛ و برای این هم که از ظرفیت های مردمی در عمل [بتوان] استفاده کرد، ساز و کار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند.»^۱

تجربه موفقیت در جنگ جهانی ۸ ساله با نقش آفرینی مردم

بدترین وضعیتی که کشور ما تجربه کرده است، دوران جنگ است. یعنی بدتر از جنگ ما نداشتیم. نه تنها امنیت ما در خطر بود، اقتصاد ما هم هنوز سرپا نشده بود. اما چطور بحران جنگ را با موفقیت سپری کردیم؟ مردم با گوشت و پوست و خون خودشان معنای جنگ را فهمیدند؛ اما چطور در این جنگ موفق شدیم؛ آمریکا را شکست دهیم؟ بلکه جهان را شکست دهیم؟ ما از حدود ۱۵ کشور اسیر گرفتیم^۲، جنگ فقط جنگ با عراق نبود، جنگ جهانی بود، اما چطور در این جنگ جهانی انقلاب ما پیروز شد؟ با

۱. ۱۴۰۱/۱۰/۱۹؛ بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم.

۲. خبرگزاری تنسیم، خبر شماره: ۱۵۱۰۲۱۲.

قدرت مردم، با مشارکت حداکثری مردم، از نان بگیر، تا جان. مردم همه چیز خودشان را به میدان آوردند، امروز چرا نتوانیم با قدرت مردم، مشکلات اقتصادی خودمان را حل کنیم؟ این تجربه موفق ماست از حل بزرگترین مسئله این کشور به دست و بازوی توانمند مردم.

امام رحمه الله علیه: حضور مردم، یک معجزه است!

امام رحمه الله علیه فرمودند:

«ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این يك معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد. و این يك هدیه الهی است که بدون اینکه دستهای بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارك و تعالی به ما اعطا فرموده است.»^۱

امروز هم مشکلات بدون نقش آفرینی مردم، حتی با بهترین دولت‌ها، امکان حل شدن ندارد. حالا مردم چگونه می‌توانند در اقتصاد نقش آفرینی کنند؟ یکی از کارهای اساسی برای مردمی شدن اقتصاد، راه اندازی و رونق تعاونی‌ها هست. اگر ما مردم تصمیم بگیریم، مدل معیشتی و زندگی بانکی را تبدیل کنیم به مدل معیشتی و زندگی تعاونی، می‌دانید چقدر از مشکلات اقتصادی ما مردم حل خواهد شد؟

تغییر مدل معیشتی مردم از بانک محوری به تعاونی محوری

می‌دانید اگر اقتصاد ما تعاونی محور بشود، نه بانک محور، چه اتفاق بزرگی می‌افتد؟ مقام معظم رهبری علیه السلام سالها پیش فرمودند:

^۱. صبح ۲۸ اسفند ۱۳۵۹.

«بارها این را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام که نقطه بن‌بست شکن‌مان، عبارت است از ایجاد اشتغال، آن هم از منابع نو و «تعاون» می‌تواند یک بازوی قوی در این راه باشد اعتقاد این است که اگر بخواهیم تعاون جایگاه خودش را از لحاظ اقتصادی، بخصوص در وضع کنونی کشور پیدا کند، بایستی ما حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی، رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم، یعنی هدف را باید ده برابر این قرار داد من وقتی در وضع کشور خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم یکی از چیزهایی که می‌تواند جلوی این بی‌عدالتی را به شکل منطقی و اصولی سد کند، همین کار تعاونی است. به همین خاطر است که من به تعاون اعتقاد دارم؛ نه از باب این است که دنیا تعاون را پذیرفته، یا فرضاً فلان کشورها تعاون می‌کنند...؛ از این باب است که من می‌بینم در این وضعی که متأسفانه گرفتارش هستیم، تعاون در کشور ما می‌تواند سرانگشت گره‌گشایی باشد. ده فیلم داستانی شیرین کوتاه ده دقیقه‌ای در زمینه تعاون درست کنید، تا هر جوانی وقتی که نگاه کرد، تشویق و ترغیب بشود. نظر من، یکی از راه‌حل‌ها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام بگیرد، «تعاون» است. این یک بعد قضیه است و خوشبختانه بعد دیگر قضیه هم این است که همین تعاون می‌تواند کشور را - بخصوص امروز - از لحاظ اقتصادی هم نجات بدهد.»^۱

الان در جهان تعاونی‌ها رشد کرده‌اند، چقدر طرفدار پیدا کرده است. یکی از تعاونی‌های موفق در انگلستان و از یک سری مقرارت مخصوص پیروی می‌کرد و الگوی عملی و تجربی تشکیل تعاونی در کشورهای گوناگون قرار

۱. گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام) در مشهد، یکم فروردین ماه ۱۳۹۰.

گرفت، «تعاونی مصرف پیشگامان منصف راجدایل» بود این تعاونی در سال ۱۸۴۴ در راجدایل، محل نزدیکی شهر منچستر انگستان دایر شد و از آن تاریخ تا کنون، تعاونی های بسیاری در جهان تاسیس شده است و ۸۰۰ میلیون عضو دارد.^۱

تعاونی فامیلی یا مسجدی یا هیئتی راه بینداز!

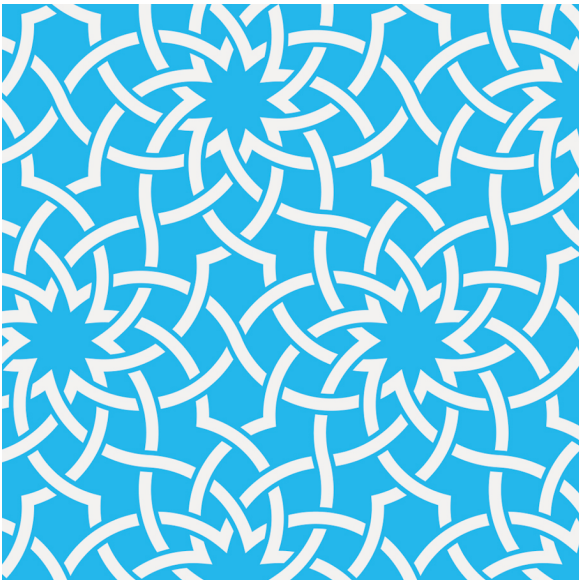
تعاونی فامیلی می خواهی راه بیندازی بسم الله ... ؛ تعاونی مسجد محل خودتان را می خواهید راه بیندازید بسم الله...، تعاونی هیئت می خواهید راه بیندازید بسم الله ... تعاونی تعاونی تعاونی. فرمود:

«تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»^۲

اگر به همین آیه در معیشت و اقتصاد عمل کنیم، تمام مشکلات امروز را به فضل الهی از پیش رو خواهیم برداشت.

۱. مقاله/ اقتصاد تعاونی در اسلام: غلام رضا سرآبادنی.

۲. مائده، ۲.



سخن پنجم: مهم ترین عامل قدرت آفرینی انقلاب

قدرت اسلام در غبار زمان

یکی از غبارهایی که به این سادگی قابل برطرف کردن نیست. غبار زمان است. برخی از زمان های ویژه مثل عاشورا و نیمه شعبان هستند که از غبار زمان نجات پیدا کرده است، ولی معمولا حوادث مهم هستی در غبار غلیظ زمان قرار می گیرند و این غبار هر سالی که می گذرد تبدیل به، گل و لای سنگینی می شود که دیگر نمی توان عظمت و شکوه آن حادثه مهم و حیاتی را دید. این غبارها و گل و لای ها موجب غربت آن حقیقت عظمی می شود. یکی از حادثه های مهم هستی، پیروزی انقلاب اسلامی ماست. احساس می شود که کم کم این غبار زمان روی آن را دارد می گیرد. نسل های بعد از انقلاب، نتوانستند حقیقت و اهمیت این حادثه بزرگ و مهم را به خاطر غبار زمان ببینند. الان جشن های دهه فجر دولتی شده نه مردمی. اوایل انقلاب این طوری نبود. یعنی اگر شهرداری این پرچم ها رو نزند، تقریبا جوّی برای جشن دهه فجر در بین مردم نیست. این یعنی غبار زمان و ما نباید بگذاریم غبار زمان، سراغ انقلاب ما بیاید و عظمت حرکتی که نه کار مردم بود و نه امام. بلکه کار خدا بود. در چشم ما کوچک و کم جلوه کند.

انقلاب ما کار چه کسی بود؟ چه کسی دلها را متحول کرد؟ کار امام بود؟

یا کار مردم؟ امام علیه السلام می فرمود:

«من يك طلبه هستم. و نباید این را به من متصل کنید. پیروزی ارتباط به ملت هم نداشت؛ این پیروزی مربوط به خدا بود. من همان وقت هم که در پاریس بودم، وقتی که می‌شنیدم که آمدند بعضیها پیش من گفتند که يك نفر آمد گفت که من در دهات کجا و کجا رفتم و دیدم که صبح که می‌شود آخوند ده جلو می‌افتد و مردم دنبالش تظاهر می‌کنند، رفتم و دیدم توی آن قلعه همان حرفهاست که در تهران است. من همان وقت مطمئن شدم به اینکه مسئله، مسئله بشری نیست. شعاع فعالیت انسان تا يك حدودی است، با اختلاف. یکی می‌تواند يك محله را، يك مسجد را اداره کند؛ یکی می‌تواند يك شهر را بسیج کند؛ یکی می‌تواند يك استان را بسیج کند؛ اما کسی بتواند همه ایران را- این ۳۵ میلیون جمعیت را- به يك راه بسیج کند، به حیثی که این بچه‌های كوچك دبستان- وقتی که چیزهایشان را به من می‌گفتند،- این بچه‌های كوچك دبستان هم همان حرف را می‌زدند که دبیرستانیها می‌گفتند، آنها هم همان که بالاتری‌ها می‌گفتند. آن پیرمردها و آن بچه‌ها و آن زنها، و این دخترها همه يك چیز می‌گفتند، همه می‌گفتند که ما این سلسله را نمی‌خواهیم و ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم. من به نظرم اینطور آمد، مطمئن شدم به اینکه ما آن وقت اصلاً این صحبتها نبود، آن وقتی بود که قدرت آنها سرجای خودش بود، من به نظرم آمد که ما پیروز خواهیم شد برای اینکه این مسئله دیگر به ما مربوط نیست؛ يك مسئله‌ای است که به جای دیگر مربوط است. و این را هم شاید کراراً در پاریس هم آن وقت من گفتم که مسئله شده يك مسئله الهی»^۱

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۹۷.

خدا در این انقلاب قدرت نمای کرد. مردم که دستشان خالی بود. فقط دستشان در دست خدا بود. خدا فرمود است، بی پرو و برگشت من و پیامبرانم پیروز هر میدانی هستیم و سه هیچ به نفع ماست چرا که خدا قوی عزیز است.

«كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱

چه نگاهی چنین قدرتی برای انقلاب اسلام کشف کرد؟

انقلاب اسلامی، دست قدرت خدا بود که بالای دست‌ها قرار گرفت. من نمی‌دانم چرا دشمن‌های ما، بهتر از ما قدرت این انقلاب را می‌بینند. با اینکه چشم دین انقلاب ما را ندارند ولی مجبورند آن را ببینند و چقدر واقع بینانه به این قدرت نگاه می‌کنند. شما فقط بروید ببینید مردم اروپا و غرب و حتی خود مردم اسرائیل به مردم ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه چطور نگاه می‌کنند.

مدیرعامل صنایع هوافضا اسرائیل: بزرگترین شگفتی در جنگ با ایران نه در فناوری، بلکه در جسارت این کشور بود. هیچ‌وقت باور نکرده بودیم که کسی جرئت کند چنین حجم عظیمی از موشک‌ها را به صورت هم‌زمان به مرکز کشور شلیک کند. ما نخستین کشوری بودیم که چنین رگبار گسترده‌ای از موشک‌ها را یک‌جا دریافت کرد. ایرانی‌ها در اینجا حوزه‌ای جدید ایجاد کردند.^۲

ما مشغول زندگی خودمون هستیم، و خیلی از اوقات فرصت نمی‌کنیم قدرت انقلاب اسلامی را بسنجیم. ولی آن‌هایی که کارشان اندازه‌گیری

^۱. مجادله، ۲۱.

^۲. شگفت‌زدگی صهیونیست‌ها از جسارت ایرانی‌ها در حمله به «اسرائیل»، دسترسی در:

قدرت‌هاست، به اینجا رسیدند که ایران دست برتر را دارد. و از گذشته قوی‌تر شده است. واشنگتن پست می‌نویسد:

«ایران اکنون قوی‌تر از ۴۰ سال گذشته است»^۱

سوالی که اینجا مطرح است این است که چه نگاهی چنین قدرتی برای انقلاب اسلام کشف کرد؟ و اسلام را از غربت در آورد و به قدرت رساند؟ درست است که امام می‌فرماید این کار من نبود ولی خدا دست قدرتش را از آستین نگاه بلند یک فقیه جامع الشرایط به نام سید روح الله الموسوی الخمینی بیرون آورد. نگاه سیاسی امام به اسلام بود که به اسلام قدرت بخشید. و او را از غربت در آورد.

در زمان امام، بزرگان کم نبودند، ولی هیچ کس تا به حال در این حد و اندازه، و در این افق، میزان سیاسی بودن اسلام را در دل‌ها پررنگ نکرده بود. بیشتر به اسلام نگاه فردی یا نهایت اجتماعی داشتند. در حالی که امام نگاه سیاسی به اسلام را در عرصه عمل به منسه ظهور گذاشتند. وقتی انسان با جملات امام درباره سیاست و اسلام برخورد می‌کند. تعجب می‌کند که واقعا یعنی اسلام اینقدر سیاسی است. حضرت امام رحمته الله علیه می‌فرماید:

«والله اسلام تمامش سیاست است؛ اسلام را بد معرفی کرده‌اند»^۲

این فقیه وارسته قسم جلاله می‌خورد تا ما باور کنیم که سیاست نه بخشی از اسلام؛ بلکه تمام اسلام است. بعد می‌فرمایند که اسلام را بد معرفی کردند. در توضیح این مطلب در جای دیگری می‌فرمایند:

«آن قدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده است، در عبادات

وارد نشده است. شما پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه می‌کنید،

^۱ . خبرگزاری فارس، دسترسی در

<http://yon.ir/۳BE۳>

^۲ . صحیفه امام/۱/۲۷۰

هفت- هشت تا کتابی است که مربوط به عبادات است، باقی اش مربوط به سیاسات و اجتماعیات و معاشرات و این طور چیزهاست. ما همه آنها را گذاشتیم کنار و يك بُعد را، يك بعد ضعیفش را گرفتیم. اسلام را همچو بد معرفی کرده اند به ما که ما هم باورمان آمده است که اسلام [را] به سیاست چه! سیاست مال قیصر و محراب مال آخوند!- محراب هم نمی گذارند برای ما باشد- اسلام دین سیاست است؛ حکومت دارد.»^۱

واقعا همین الان چند نفر، از نخبگان و آحاد مذهبی جامعه ما چنین نگاهی به دین دارند؟ آیا واقعا عبادات بخش ضعیفی از دین است؟ اگر به غیر از امام کسی چنین ادعای می کرد، حتما او را تکذیب می کردند.

عابد جهنمی....

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«یکی از مذهبی های قوم بنی اسرائیل مشغول عبادت بود ناگهان دید که بچه ها دارند پره های خروسی را می کنند و آن را شکنجه و عذاب می دهند، این عابد که مشغول عبادت بود دست از عبادت نکشید خدا را به خاطر اینکه با بی تفاوتی مشغول عبادتش بود تا الان عذاب می کند که چرا نهی از منکر نکردی؛ كَانَ رَجُلٌ شَيْخٌ نَاسِكٌ يُعْبُدُ اللَّهَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَبَيْنَا هُوَ يَصَلِّي وَ هُوَ فِي عِبَادَتِهِ، إِذْ بَصُرَ بِغُلَامَيْنِ صَبِيَّيْنِ، قَدْ أَخَذَا دِيكًا وَ هُمَا يَنْتَفَانِ رِيشَهُ، فَأَقْبَلَ عَلَى مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَلَمْ يَنْهَهُمَا عَنْ ذَلِكَ، فَأَوْحَى اللَّهُ

^۱. صحیفه امام، ۱۴، بهمن ۱۳۵۷.

إِلَى الْأَرْضِ: أَنْ سِيحَى بَعْدِي، فَسَاخَتْ بِهِ الْأَرْضُ، فَهُوَ يَهُوَى فِي
الدُّرُورِ أَبَدَ الْأَيِّدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ.^۱

نهی از منکر، از جنس کار سیاسی است. الان بی تفاوتی به مسائل
سیاسی بین آدم‌های عبادی و ظاهر الصلاح حُسن شمرده می‌شود.

آقازاده آیت‌الله بهجت می‌فرمود: «اگر انفجاری در بغداد اتفاق می‌افتاد
انگار که در میان اقوامش بوده. در درس و مطالعاتش اثر می‌گذاشت و آن
روز، در استفتائاتش توان کمتری داشت. مشهود همه بود^۲ این گونه
عرفای ما نسبت به مسائل سیاسی منطقه حساس بودند. آیه الله بهجت
ره، در این حد و اندازه سیاسی بودند.

بعد از جنگ جمل، مردم دور امیرالمؤمنین علیه السلام جمع شده بودند در بین
مردم شخصی بود که نامش حسن بصری بود. در دستانش کاغذهای بود
که هر چه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود، می‌نوشت؛ حضرت با صدای بلند
به او فرمود چه می‌کنی؟ گفت دارم صحبت‌های شما را می‌نویسم تا برای
دیگران نقل کنم. حضرت او را تحویل نگرفت و فرمود:

هر قومی سامری دارند و تو سامری این هست هستی؟ عَنْ يَحْيَى
الْوَاسِطِيِّ قَالَ: لَمَّا افْتَتَحَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيْهِ وَ
فِيهِمُ الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ وَ مَعَهُ الْأَلْوَاخُ فَكَانَ كُلَّمَا لَفَظَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِكَلِمَةٍ كَتَبَهَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِأَعْلَى صَوْتِهِ مَا
تَصْنَعُ؟ فَقَالَ نَكْتُبُ أَثَارَكُمْ لِنُحَدِّثَ بِهَا بَعْدَكُمْ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
عليه السلام: أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِي وَ هَذَا سَامِرِي هَذِهِ الْأُمَّةُ،^۳

۱. امالی طوسی، ص ۶۷۰

۲. عبد محیوب، ص ۲۱

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۹۲

بعد حضرت امیر فرمود شعار سامری امت پیغمبر چیست؟ خیلی جالب است. این است که جنگ نه جنگ نه! «أَمَّا إِنَّهُ لَا يَقُولُ لَا مِسَاسَ وَلَا لَكِنْ يَقُولُ لَا قِتَالَ»^۱

وقتی که حضرت این حرف را زده حسن بصری سن کمی داشت، ولی بعدها او از فقهاء بصره شد و در جنگ ها فتوایش این بود که با جنگ کار نداشته باشید. به گونه ای سیاست زده بود. مثل کسانی که می گویند به انتخابات کار نداشته باشید اینها سامری امتند. شاگردانش می گفتند وقتی ما سر کلاس او حاضر می شدیم حق نداشتیم درباره مسائل سیاسی اجتماعی جامعه خودمان حرف بزنیم اینکار ممنوع بود.

«كُنَّا إِذَا أَتَيْنَا الْحَسَنَ (البصری) لَا نَسْأَلُ عَنْ خَبَرٍ وَلَا نَخْبِرُ بِشَيْءٍ وَإِنَّمَا كَانَ فِي أَمْرِ الْآخِرَةِ»^۲

ببینید سیاست زدگی و سیاست زدایی از اسلام چقدر ریشه داونده از زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا به حال.

آموزش دین سیاسی در مدارس

برای اینکه بچه های ما با حقیقت اسلام، یعنی سیاست آشنا شوند باید در مدارس برنامه ریزی کرد. در مساجد برنامه ریزی کرد. این آیه باید در سطوح مدارس ابتدایی ما آموزش داده شود.

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۳

یعنی کار اصلی انبیای الهی، مبارزه سیاسی علیه طاغوت بود.

آموزش تاریخ اسلام، به صورت جدی ضروری است.

۱. همان.

۲. الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۱۲۳.

۳. نحل، ۳۶.

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

«كُنَّا نُعَلِّمُ مَعَاذِي رَسُولِ اللَّهِ كَمَا نُعَلِّمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۱

ما همان طور که قرآن را آموزش می دادیم، جنگ های پیامبر را هم آموزش می دادیم. تاریخ اسلام پر است از سیره سیاسی پیامبر (صلی الله علیه و آله). مثلاً اولین کاری که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دیدار دومی که با مردم مدینه داشت قبل از هجرت در ایام حج، این بود که از بین آنان دوازده نفر رئیس به نام نقباء را انتخاب کرد.

«اخْتَارَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مِنْ أُمَّتِهِ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً»^۲

هنوز پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مدینه نرفته کار سیاسی را شروع کرد. چرا این حرف ها زده نشده؟ چرا پیامبر را به عنوان یک چهره سیاسی مطرح نکردند؟ باید برای معرفی درست اسلام آستین بالا بزنیم.

فقط جای یک پرسش اینجا می ماند که اگر ما قدرتمندیم و نگاه سیاسی امام (رحمه الله علیه) قدرت آفرین شده است. پس چرا این همه مشکلات داخلی داریم؟ جواب این پرسش را از کلام امام (رحمه الله علیه) صاحب این روزها بگیرید که فرمود: «ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شر تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودی ها نجات نخواهیم یافت. این ها برپادارندگان سلطه ی ابرقدرت ها هستند.»^۳

خیلی عجیب است که امام چقدر دقیق و درست پیش بینی کردند. ما به این سادگی از شر پهلوی ها خلاص نشدیم، هزینه های فراوانی دادیم. سرنگون کردن حکومت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی کار ساده ای نبود،

۱. البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۴۲.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۴۴۷ / ۷ دی ۱۳۶۰.

ولی امام می‌فرماید، اینکار شد؛ ولی سخت‌تر از اینکار نجات یافتن از شر تربیت یافتگان غرب و شرق‌اند. اینها اگر در مسند سیاست قرار بگیرند برپادارندگان سلطه ابرقدرت‌ها هستند.

مشکل، سیاسیونی هستند که برای آن طرفی‌ها چراغ سبز روشن می‌کنند و به آن طرف آب چشم دوخته‌اند. به این طرف آبی‌ها محل نمی‌گذارند قرآن درباره این‌هایی که به آن طرف محل می‌گذارند. می‌فرماید: بشارت باد به منافقین که عذابی دردناک در انتظار آنهاست. آنهایی که طرح دوستی با غیر مؤمنین را می‌ریزند. و دنبال آن هستند پیش آنها عزیز شوند در حالی که عزت در دست خداست؛

«بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِيتُوهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۱

قدرت اسلام در دوران ظهور

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی پرچم حضرت به اهتزاز درمی‌آید، همه مؤمنان این جوری می‌شوند که قلب‌شان مثل پاره‌های آهن می‌شود؛ فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ
مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ^۲.

دوستان دقت کنند که چرا امام صادق علیه السلام یاران و اصحاب حضرت را این جوری توضیح می‌دهند؟ وقتی پرچم حضرت به اهتزاز درمی‌آید، قوت قلب مؤمنان، این قدر زیاد می‌شود. حالا چرا می‌فرماید پاره‌های آهن؟ کسی که قلبش قوت نداشته باشد، وقتی استرس بگیرد قلبش یک لرزه‌ای پیدا می‌کند، اما وقتی مثل پاره‌های آهن شد دیگر این قلب تکان نمی‌خورد، بعد

۱. نساء ۱۳۸ و ۱۳۹.

۲. غیبت نعمانی/ ۳۱۰.

می‌فرماید: «وَيُعْطَى الْمُؤْمِنُ قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا» به هر مرد مؤمنی قدرت چهل مرد داده می‌شود. آقایان! منتظر! منتظرین حضرت! این قُوْت و قدرت را در خودتان ایجاد کنید، دیگر روایت «المؤمن كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ» بماند.

وارثین قدرت و ثروت در دوران ظهور چه کسانی هستند؟

می‌فرماید:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱

کسانی که خداوند آنان را «امام» قرار می‌دهد، اینان‌اند که می‌توانند وارث ثروت و قدرت باشند و اینان‌اند که دچار فساد نخواهند شد. آیه به ما اشاره می‌کند که: ای مستضعفان، خود را برای ریاست، ثروت و قدرت آماده کنید. اگر کسی بگوید این آیه چنین مضمونی را دلالت نمی‌کند و چنین اشاره‌ای ندارد، در این صورت باید پذیرفت که تمام سنت‌های الهی، نادرست از آب درمی‌آید؛ زیرا بنا بر این تلقی، انسان شب می‌خوابد و صبح بیدار می‌شود و چون همواره نماز شب می‌خوانده و صرفاً به بهشت و جهنم می‌اندیشیده، ناگهان احساس «مدیرکلی» به او دست می‌دهد و گمان می‌کند که هوش، حافظه و قلبش متحول شده است و اکنون قدرت بانکداری و اداره بزرگ‌ترین ثروت‌های عالم را دارد! سپس می‌پرسد: چرا من این‌گونه شدم؟ آیا خداوند می‌خواهد چنین کاری را با من انجام دهد؟ اگر قرار بود خداوند با معجزه، انسان‌ها را در یک شب متحول کند و آنان را آدم‌های کارآمدی قرار دهد که کار خلق را سامان دهند، پس چرا این همه سال ما را در مسیر

۱. قصص، ۵.

سخت تربیت، تلاش و مجاهده قرار داد و این همه مظلومین در مظلومیت باقی ماندند؟ اگر بنا بر اعجاز بود، این روند زودتر محقق می‌شد.

آیا قدرت‌های موشکی و دفاعی ما در یک شب به دست آمده است؟ آیا شهید تهرانی مقدم جان خود را برای تولید نوع سوخت مورد نیاز موشک‌ها نداد؟ آیا ما عزیزترین نیروهای خود را قطعه‌قطعه شده و پودر شده تحویل نگرفتیم؟ اگر خداوند می‌خواست مسیر را با معجزه اداره کند، همین امروز چنین می‌کرد. آیه می‌فرماید: هنگامی که خداوند اعلام می‌کند «من می‌خواهم شما را ائمه قرار دهم و شما را وارث زمین کنم»، یعنی باید خود را آماده کنید.

من تعجب می‌کنم از کسانی که مرا نهی می‌کنند از اینکه چرا جوانان را به دنیا تحریک می‌کنم. به خدا قسم، من بی‌گناهم. من فقط می‌پرسم: این «نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» یعنی چه؟ معنای آن ریاست و وراثت است؛ وراثت ثروت و قدرت.

آیا در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ثروت از میان می‌رود؟ مردم نان می‌خورند یا نه؟ اقتصاد نان چه می‌شود؟ اگر امروز گندم را به صورت خصوصی وارد کنیم، آرد کنیم و به نانوا برسانیم، همین قیمت‌های موجود آرد آزاد چقدر سود ایجاد می‌کند؟ چه کسی دارد می‌برد؟ راه کنترل قدرت و ثروت، «مدیریت صالح» است، نه پرهیز از ثروت و قدرت. این مدیریت صالح را جوانان باید بیاموزند.

همین جلسه شما چقدر می‌تواند خلق ثروت کند؟ آیا تنها باید معنویت تولید کند؟ این نگاه، نگاه درست و الهی نیست. شبیه آن است که در زمان جنگ به جبهه برویم و تنها دعا بخوانیم؛ درحالی‌که باید اسلحه به دست گرفت. اگر کسی بگوید: «ما اهل این کارها نیستیم»، بسیار مضحک خواهد بود.

هر یک از شما در شهر و محله خود چه شبکه اجتماعی‌ای در اختیار دارید؟ همین را در خدمت پول‌آوری قرار دهید؛ ببینید چه می‌شود. آن را مدیریت کنید و مراقب باشید با رفیق‌تان هم دچار اختلاف نشوید. این امور در یک شب اصلاح نمی‌شود؛ باید کار کرد. «وَنَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ یعنی خود را برای ریاست و وراثت قدرت و ثروت بر زمین آماده کنید.

در آخر الزمان، تکلیف قدرت در جهان مشخص می‌شود

در آخر الزمان، تکلیف قدرت در جهان مشخص می‌شود، استضعاف از بین می‌رود و مستضعفین وارثان زمین می‌شوند. اما این ضعف چگونه از بین می‌رود؟ چگونه قدرت از دست مستکبران عالم خارج می‌شود و در دست عموم مردم قرار می‌گیرد؟

دین برای اینکه قدرت به مردم برسد، یک طرح مشخص دارد. این طرح دین هم دو گام دارد: گام اولش «اتحاد بین مردم در حد زندگی جمعی و مواساتی و ایثارگرانه» است. یعنی متفرق و تکی زندگی نکنیم و حساب‌مان را از هم جدا نکنیم و البته این سخت است.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه قاصعه می‌فرماید: به اخبار و احوال گذشتگان نگاه کنید، تنها عاملی که موجب شد به ذلت و خواری بیفتند، تفرقه بود (وَصَلَّتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ مِنْ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ)

تفرقه به معنای «تک زندگی کردن» چیزی است که الان بین ما هست! ما متفرق زندگی می‌کنیم و به سادگی نمی‌توانیم باهم زندگی کنیم، می‌گوییم «حساب حساب است کاکا برادر!»

واقعیت این است که متعوانه زندگی کردن سخت است. الان شما می‌توانید به یک دین‌دار توصیه کنید که زاهدانه زندگی کند و او ممکن

است قبول کند. ولی اگر بگویید «بیا جمعی زندگی کنیم» این واقعاً سخت است.

حتی فقرا هم دوست دارند، همان پول کمی که دارند، مال خودشان باشد و حساب‌شان با بقیه قاطی نشود. یک ثروتمند هم شاید خیلی از پولش را صدقه بدهد ولی معمولاً با دیگران شریک نمی‌شود.

حقیقت اتحاد و کندن ریشه تفرقه در «زندگی جمعی داشتن» است، ما زندگی جمعی نداریم. بیشترین نوع سرمایه‌گذاری مردم ما متعوانانه نیست، بلکه مضاربه‌گونه است و این قوانین در کشورمان قوانین غلطی است. نمی‌خواهم اسمش را ربا بگذارم، ولی نزدیک به ربا، برای جامعه ما زشتی دارد.

آیا تو می‌توانی پولت را با رفیق مؤمن خودت به اشتراک بگذاری؛ آن هم با اراده و تمایل خودت، نه با زور قانون؟ ما نمی‌خواهیم جامعه کمونیستی برقرار کنیم و بگوییم که مالکیت را از بین می‌بریم تا مردم به زندگی جمعی مجبور بشوند! نه، زندگی متعوانانه که این نیست!

در مقابل کمونیست‌ها، لیبرال‌ها برنده شدند. لیبرال‌ها گفتند «پول هرکسی مال خودش» ما هم همین را گفتیم البته در کنارش، ریش گذاشتیم و تسبیح گرفتیم و رو به قبله هم سجده می‌کنیم اما زندگی‌مان با زندگی لیبرالی چه فرقی می‌کند؟

زندگی‌مان را چگونه اسلامی کنیم؟ اهالی یک مسجد، اهالی یک هیئت، باید با هم زندگی جمعی داشته باشند. هرچند به این سادگی نمی‌توانیم حساب‌های مان را باهم قاطی کنیم اما لااقل سعی کنیم در جهت زندگی جمعی و متعوانانه حرکت کنیم.

زندگی متعاونانه، راه حلی است که دین ارائه می‌دهد، برای اینکه مردم قدرت پیدا کنند. این طرح به ما می‌گوید: اگر پول داشتی، اول برو سراغ رفقا، همسایه‌ها، هم‌مسجدی‌ها و هم‌هیئتی‌های خودت و بگو «هرکسی می‌خواهد کار کند این پول را بگیرد» بعد از ظهور، این رفتار واجب است! در آن زمان، سود گرفتن از برادر مؤمن در یک تجارت عادی، عین ربا حرام است. (أَنَّ رِبْحَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رِبًا...) ما می‌خواهیم به این سمت برویم.

پس آدم چطوری پولدار می‌شود؟

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر این را اجرا می‌کردید همه‌تان ثروتمند می‌شدید. «لَوْ فَعَلْتُمْ مَا احْتَجْتُمْ» ما این را نمی‌فهمیم، ما این را در علم اقتصادمان نداریم. این اولین تعلیمات دینی ما است. اولین تعلیمات دینی «مواسات» است. منظور از مواسات، فقیرداری نیست؛ بلکه مواسات و زندگی متعاونانه، ریشه فقر و ظلم را می‌کند.^۱

^۱. علیرضا پناهیان، مختصات زمان ما و آینده‌ای که تا ظهور در پیش داریم، دسترسی در:

<http://panahian.ir/post/۷۷۸۸>